

جمعیت ایران و تحولات آن در نیم قرن گذشته (۱۳۹۰-۱۳۳۵)

دکتر امیرهوشنگ مهربار^۱

چکیده

در این گزارش روند تغییرات جمعیت ایران از نیمه دوم قرن بیستم و با استفاده از نتایج سرشماری‌ها، ارائه شده است. این اطلاعات از لحاظ فهم بهتر وضع موجود جمعیت کشور ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به اینکه این اطلاعات از نشریات مختلف مرکز آمار ایران گرفته شده، گزارش می‌تواند بعنوان منبعی برای دسترسی به اطلاعات جمعیتی کشور در پنجاه سال گذشته برای سیاست‌گذاران و محققان مفید باشد. این موضوع بخصوص در مورد شاخص‌های مستخرج از داده‌های خام، صدق می‌کند که معمولاً در گزارش‌های مرکز آمار ارائه نمی‌شود.

واژگان کلیدی

جمعیت، سیاست‌های جمعیتی، عدم تعادل جمعیتی، سالخوردگی جمعیت

مقدمه

فلات ایران از دیرباز جزء مراکز تمدن و شهرنشینی بوده و به اندازه کافی جمعیت داشته که بتواند امکان ظهور چندین امپراطوری جهانی را فراهم سازد. اداره امور این امپراطوری‌ها مستلزم جمع‌آوری خراج و مالیات و استفاده از نیروی کار توسط دولت (به صورت سرباز یا کارگر) بوده و تمهیداتی را برای اطلاع از تعداد نفوس ضروری می‌ساخته است. معهذا درباره جمعیت ایران در طی دوره‌های مختلف تاریخی اطلاع چندانی در دست نیست. تاریخ‌نویسان یونان، ارقامی را درباره تعداد جمعیت و سپاهیان ایران به هنگام حمله به یونان نوشته‌اند که بسیار اغراق‌آمیز است (کتبی، ۱۳۷۲). گزارش‌های سیاحان اروپایی درباره جمعیت ایران در دوره صفوی نیز

۱- مؤسسه عالی آموزش و پژوهش در مدیریت و برنامه‌ریزی.

بهمان اندازه اغراق آمیز به نظر می‌رسد (زنجانی، ۱۳۷۱، ص ۲-۶). جمعیت‌شناسان معاصر سعی کرده‌اند با استفاده از رقم تخمینی جمعیت جهان و قاره‌ها و کشورهای عمده در قرون مختلف، برآوردی از تعداد جمعیت کشورهای مختلف از جمله ایران به دست دهند. نمونه‌ای از این تخمین‌ها در کتاب "اطلس تاریخی جمعیت جهان" تالیف مک ایودی و جونز (۱۹۸۰، ص ۵۵-۵۹) ارایه شده است. طبق این تخمین‌ها جمعیت ایران و رقیب تاریخی آن ترکیه در طی بیست و چهار قرن گذشته در سطحی پائین و کما بیش ثابت (۴ تا ۸ میلیون نفر) نوسان داشته و فقط از اوایل قرن نوزدهم میلادی کم کم رو به افزایش گذاشته است. این افزایش در نیمه دوم قرن نوزدهم سریعتر شده و جمعیت ایران در آغاز قرن بیستم به حدود ده میلیون نفر رسیده بود.

روند تغییرات جمعیت ایران در نیمه دوم قرن بیستم

اولین سرشماری جمعیت ایران در سال ۱۳۳۵ (۱۹۵۶ میلادی) انجام گرفت که بعد از آن نیز هفت بار در فواصل ده ساله یا پنج ساله تکرار شده است. طبق سرشماری ۱۳۳۵ جمعیت ایران ۱۸,۹۵ میلیون نفر یعنی تقریباً دو برابر رقم تخمینی برای اوایل قرن بیستم بود. دومین سرشماری (۱۳۴۵) جمعیت ایران را ۲۵,۸ میلیون نفر و نرخ رشد آنرا ۳,۱ در صد در سال نشان داد. سومین سرشماری که در ۱۳۵۵ انجام گرفت جمعیت ایران را ۳۳,۷ میلیون نفر و نرخ رشد آنرا ۲,۷ درصد نشان داد که از کاهش نرخ رشد جمعیت در دهه ۱۳۴۵-۱۳۵۵ حکایت می‌کرد. این کاهش با توجه به تغییر سیاست جمعیتی دولت و تاسیس برنامه تنظیم خانواده در سال ۱۳۴۶ غیرمنتظره نبود. دهه بعد که با پیروزی انقلاب و تاسیس جمهوری اسلامی همراه بود شاهد افزایش چشم گیر نرخ رشد جمعیت (بحدود ۳,۹ درصد) و رسیدن آن به مرز پنجاه میلیون نفر بود. اما این افزایش بسیار کوتاه مدت بود و سرشماری توام با نمونه گیری ۱۳۷۰ شواهد آشکاری از کاهش نرخ باروری و رشد جمعیت ایران را نمایان کرد. اگرچه این شواهد تا سرشماری ۱۳۷۵ توسط صاحب نظران داخلی و بین‌المللی جدی گرفته نشد.

در سرشماری بعد (۱۳۷۵) حجم جمعیت ایران به ۶۰/۰۵ میلیون رسید ولی نرخ رشد آن به ۲,۹۶ درصد تقلیل یافته بود. طبق سرشماری بعدی که در سال ۱۳۸۵ انجام گرفت جمعیت ایران به ۷۰/۴۷ میلیون رسیده ولی نرخ رشد آن به رقم بسیار پایین ۱/۶۱ درصد کاهش یافته بود. نتایج سرشماری ۱۳۹۰ روند کاهشی نرخ رشد جمعیت ایران را تایید نموده است. مقایسه نتایج سرشماری ۱۳۹۰ با سرشماری ۱۳۳۵ حاکی از آن است که جمعیت کشور طی پنجاه و پنج سال گذشته ۳/۹۶ برابر شده‌است در حالیکه همین جمعیت در طی نیمه اول قرن بیستم به سختی توانسته بود دو برابر شود (جدول ۱). بر اثر افزایش جمعیت و ثابت ماندن مساحت کشور تراکم نسبی جمعیت نیز در این مدت تقریباً چهار برابر شده و از ۱/۱۶ به ۴۶/۳ نفر در کیلومتر مربع رسیده است. مقایسه جمعیت سرشماری‌های مختلف با معادل تخمینی آنها توسط کارشناسان سازمان ملل متحد (UN, 2012) تفاوت بسیار کمی (جز در سال‌های ۱۳۳۵ و ۱۳۶۵) نشان می‌دهد (جدول ۱).

جدول ۱: جمعیت ایران طبق نتایج سرشماری ها و برآوردهای سازمان ملل، ۲۰۱۲ (هزار نفر)

سازمان ملل	سرشماری	سال سرشماری
۱۹۹۰۵	۱۸۹۵۴	۱۳۳۵
۲۵۷۴۳	۲۵۰۸۰	۱۳۴۵
۳۳۷۸۹	۳۳۷۰۹	۱۳۵۵
۴۸۲۵۷	۴۹۴۴۵	۱۳۶۵
۵۶۰۷۲	۵۵۸۳۷	۱۳۷۰
۶۰۸۱۶	۶۰۰۵۵	۱۳۷۵
۷۰۵۸۲	۷۰۴۹۶	۱۳۸۵
۷۴۷۹۹	۷۵۱۵۰	۱۳۹۰

جدول ۲: جمعیت ایران طبق تخمین سازمان ملل و سرشماریهای ملی به تفکیک محل اقامت در سالهای مختلف، ۱۳۳۵-۱۳۹۰.

سال	تخمین سازمان ملل ۲۰۱۲	کل کشور	نقاط شهری	نقاط روستایی	غیر ساکن
۱۳۳۵	۱۹۹۰۵۰۰۰	۱۸۹۵۴۷۰۴	۵۹۵۳۵۶۳	۱۳۰۰۱۱۴۱	۲۴۳۷۹۷
۱۳۴۵	۲۵۷۴۳۰۰۰	۲۵۷۸۸۷۲۲	۹۷۹۴۲۴۶	۱۵۹۹۴۴۷۶	۷۰۹۷۷۹
۱۳۵۵	۳۳۷۸۹۰۰۰	۳۳۷۰۸۷۴۴	۱۵۸۵۴۶۸۰	۱۷۸۵۴۰۶۴	۳۴۷۸۱۲
۱۳۶۵	۴۸۲۵۷۰۰۰	۴۹۴۴۵۰۱۰	۲۶۸۴۴۵۶۱	۲۲۶۰۰۴۴۹	۳۶۳۹۷۴
۱۳۷۰	۵۶۰۷۲۰۰۰	۵۵۸۳۷۱۶۳	۳۱۸۳۶۵۹۸	۲۴۰۰۰۵۶۵	۲۱۱۴۰۶
۱۳۷۵	۶۰۸۱۶۰۰۰	۶۰۰۵۵۴۸۸	۳۶۸۱۷۷۸۹	۲۳۲۳۷۶۹۹	۱۰۴۷۱۷
۱۳۸۵	۷۰۵۸۲۰۰۰	۷۰۴۹۵۷۸۲	۴۸۲۵۹۹۶۴	۲۲۲۳۵۸۱۸	۱۱۵۰۰۰
۱۳۹۰	۷۴۷۰۹۰۰۰	۷۵۱۴۹۶۶۹	۵۳۶۴۶۶۶۱	۲۱۴۴۶۷۸۳	۵۶۲۲۵

ترکیب جمعیت

سهم زنان از جمعیت سرشماری شده در طی سه سرشماری اول (۱۳۳۵-۱۳۵۵) کاهش یافته و از ۴۸/۴۳ درصد به ۴۷/۷ درصد رسیده بود. اما این نسبت در سرشماری های بعد از انقلاب مرتباً افزایش پیدا کرده و از ۴۷/۷ در ۱۳۶۵ به ۴۹/۵۶ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است. در نتیجه این تغییرات، نسبت جنسی (نسبت مردان به زنان) نیز تغییر کرده و از ۱۰۶ در ۱۳۵۵ به ۱۰۳/۶ در ۱۳۸۵ و ۱۰۱/۷۸ در ۱۳۹۰ کاهش یافته است (جدول ۲).

جدول ۲. جمعیت ایران به تفکیک شهری و روستایی (میلیون نفر)، نرخ شهرنشینی، نسبت جنسی و تراکم آن

۱۳۹۰	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۷۰	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵	۱۳۳۵	
۷۵.۲	۷۰.۴۷	۶۰.۱	۵۵.۸۴	۴۹.۴۴	۳۳.۷۱	۲۵.۷۹	۱۸.۹۵	جمعیت
۵۳.۶	۴۸.۲۴	۳۶.۸	۳۱.۸۴	۲۶.۸۴	۱۵.۸۵	۹.۷۹	۵.۹۵	شهری
۲۱.۵	۲۲.۲۳	۲۳.۲	۲۳.۶۴	۲۲.۶	۱۷.۸۵	۱۵.۹۹	۱۳	روستایی
۷۱.۴	۶۸.۵	۶۱.۳	۵۷.۰۲	۵۴.۳	۴۷	۳۸	۳۱.۴	نرخ شهرنشینی
۱۰۲	۱۰۴	۱۰۳	۱۰۶	۱۰۵	۱۰۶	۱۰۷	۱۰۴	نسبت جنسی
۱۰۲	۱۰۴	۱۰۴	۱۰۷	۱۰۶	۱۱۰	۱۰۹	۱۰۷	شهری
۱۰۲	۱۰۳	۱۰۲	۱۰۶	۱۰۳	۱۰۳	۱۰۷	۱۰۲	روستایی
۴۶	۴۳.۳	۳۶.۹	۳۴.۳	۳۰.۴	۲۰.۷	۱۵.۸	۱۱.۶	تراکم جمعیت (در کیلو متر مربع)

از ۱۸/۹۵ میلیون نفر جمعیت سرشماری شده در سال ۱۳۳۵ کمتر از یک سوم (۳۱/۶۷ درصد) شهرنشین بودند. در آخرین سرشماری قبل از انقلاب (۱۳۵۵) نیز علیرغم اینکه قدر مطلق جمعیت شهرنشین تقریباً سه برابر شده بود، هنوز کمتر از نصف جمعیت کشور (۴۷/۰۳ درصد) در نقاط شهری ساکن بودند. روند شهرنشینی در دوره بعد از انقلاب با شدت و سرعت بیشتری ادامه یافته است به طوری که در سال ۱۳۹۰ بیش از هفتاد درصد جمعیت کشور (۷۱/۳۹ درصد) شهرنشین بودند. به این ترتیب در حالی که کل جمعیت کشور در فاصله پنجاه و پنج ساله ۱۳۳۵-۱۳۹۰ کمتر از چهار برابر شده جمعیت شهرنشین بیش از نه برابر افزایش یافته و از ۵/۹۵ میلیون نفر به ۵۳/۶۵ میلیون نفر رسیده است.

علاوه بر افزایش جمعیت شهری و نرخ شهرنشینی، تعداد شهرها نیز در طی پنجاه سال گذشته تقریباً شش برابر افزایش پیدا کرده و از ۱۹۹ به ۱۱۳۹ رسیده است. بخش اعظم این افزایش در تعداد شهرها، در دوره بعد از انقلاب و بخصوص دو دهه اخیر، اتفاق افتاده است. در واقع در فاصله دو دهه ۸۵-۱۳۶۵ که نرخ شهرنشینی در حدود شانزده درصد بالا رفته، تعداد شهرها صد در صد افزایش یافته و از ۴۹۶ به ۱۰۱۲ رسیده است. تعداد قرارگاه‌های جمعیت روستائی (روستا یا آبادی در اصطلاح مرکز آمار ایران) در حدود ۶۰۰۰۰ آبادی مسکونی، ثابت مانده است. روستاهای کشور از حیث جمعیت با هم فرق می‌کنند و در همه سرشماری‌های گذشته بیش از هشتاد درصد روستاها کمتر از صد نفر جمعیت داشتند.

ساختار سنی

ساختار سنی جمعیت ایران، یعنی سهم نسبی گروه‌های مختلف سنی از کل جمعیت، طی پنجاه سال گذشته تغییرات مهم و در عین حال متضادی را تجربه کرده که در هرم‌های سنی جمعیت به

روشنی دیده می‌شود. در جمعیت‌هایی که در معرض مرگ و میر و مهاجرت خارجی قرار ندارند تغییر شکل هرم سنی عمدتاً از کاهش باروری ناشی می‌شود و بصورت فرورفتگی پله‌های قاعده هرم (سهم کودکان ۰-۴ و ۵-۹ ساله) بروز می‌کند. این فرورفتگی در هرم سنی سرشماری ۱۳۷۰ تا حدی و در هرم‌های سنی سرشماری‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۰ ایران کاملاً مشهود است.

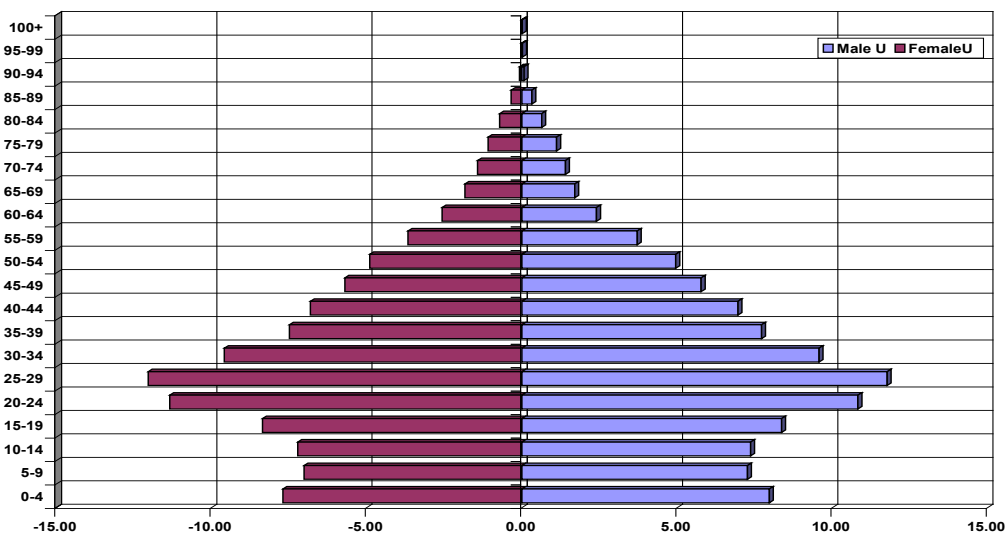
جدول ۳. جمعیت ایران بر حسب گروه‌های سنی بنحساله در سرشماری‌های مختلف

گروه سنی	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰
۰-۴	۳۳۴۷۶۹۸	۴۴۴۶۹۲۱	۵,۴۲۹,۷۱۲	۹,۰۴۴,۸۲۳	۸,۱۴۱,۲۸۵	۶,۱۶۳,۰۲۴	۵۴۶۳۹۷۸	۶۲۳۲۵۵۲
۵-۹	۲۸۲۲۹۷۵	۴۱۰۶۱۵۸	۵,۲۷۶,۵۳۳	۷,۵۲۵,۸۹۴	۹,۰۳۵,۴۵۸	۸,۴۸۱,۸۴۵	۵۵۰۹۰۵۷	۵۶۵۷۷۹۱
۱۰-۱۴	۱۸۲۲۴۸۳	۳۰۱۷۲۵۰	۴,۳۰۳,۱۱۸	۵,۹۰۳,۳۰۰	۷,۵۴۷,۱۳۱	۹,۰۸۰,۶۷۶	۶۷۰۸۵۹۴	۵۶۷۱۴۳۵
۱۵-۱۹	۱۴۲۰۵۲۴	۲۱۲۹۰۳۶	۳,۶۰۰,۲۶۵	۵,۱۹۲,۲۰۲	۵,۹۰۸,۹۰۳	۷,۱۱۵,۵۴۷	۸۷۲۶۷۶۱	۶۶۰۷۰۴۳
۲۰-۲۴	۱۴۹۷۱۷۸	۱۶۸۳۱۶۱	۲,۷۹۲,۲۱۵	۴,۱۹۳,۷۲۴	۴,۹۴۷,۲۶۰	۵,۲۲۱,۹۸۲	۹۰۱۱۴۲۲	۸۴۱۴۴۹۷
۲۵-۲۹	۱۵۱۷۸۰۲	۱۶۴۹۶۷۲	۲,۱۱۱,۵۸۵	۳,۶۵۲,۲۹۷	۴,۰۰۵,۲۷۸	۴,۷۰۹,۱۵۴	۷۲۲۴۹۵۲	۸۶۷۲۶۵۴
۳۰-۳۴	۱۳۸۶۳۷۳	۱۶۶۸۰۴۶	۱,۷۰۶,۹۹۷	۲,۹۲۷,۹۸۳	۳,۵۰۴,۲۲۰	۳,۹۸۰,۰۶۶	۵۵۵۳۵۳۱	۶۹۷۱۹۲۴
۳۵-۳۹	۱۰۸۴۶۹۸	۱۴۱۸۲۳۹	۱,۶۲۶,۶۱۹	۲,۱۱۷,۲۱۱	۲,۸۶۶,۶۶۹	۳,۵۷۱,۷۷۹	۴۹۲۱۱۲۴	۵۵۷۱۰۱۸
۴۰-۴۴	۸۶۲۷۴۳	۱۳۲۱۰۵۰	۱,۶۶۸,۶۸۵	۱,۶۵۵,۳۵۱	۲,۰۳۷,۴۷۷	۲,۸۱۲,۰۸۶	۴۰۸۹۱۵۸	۴۹۰۶۷۴۹
۴۵-۴۹	۷۷۷۵۶۵	۸۴۳۶۰۸	۱,۳۸۹,۴۶۵	۱,۵۸۵,۳۹۸	۱,۵۷۷,۹۸۳	۲,۰۱۳,۰۴۰	۳۵۲۲۷۶۱	۴۰۳۰۴۸۱
۵۰-۵۴	۶۶۸۸۶۸	۷۴۰۸۳۹	۱,۳۲۹,۰۴۹	۱,۵۹۹,۰۱۸	۱,۵۷۰,۶۲۲	۱,۵۲۹,۰۷۸	۲۷۵۵۴۲۰	۳۵۲۷۴۰۸
۵۵-۵۹	۵۵۴۷۵۴	۴۲۷۹۰۱	۷۰۳,۸۸۷	۱,۳۳۷,۷۴۶	۱,۴۴۲,۹۲۹	۱,۳۶۶,۷۲۸	۱۸۸۷۹۸۱	۲۶۸۰۱۱۹
۶۰-۶۴	۴۳۲۳۷۳	۶۶۹۹۳۷	۵۸۴,۱۴۴	۱,۱۸۴,۶۳۲	۱,۳۰۳,۳۹۰	۱,۳۸۲,۹۴۶	۱۴۶۴۴۵۲	۱۸۶۲۹۰۷
۶۵-۶۹	۳۰۲۷۸۲	۳۴۶۰۲۲	۳۴۷,۲۳۸	۵۷۳,۷۹۶	۸۸۵,۰۷۷	۱,۰۷۶,۳۷۳	۱۱۹۷۵۵۰	۱۳۴۳۷۳۱
۷۰-۷۴	۱۹۶۸۷۷	۳۴۰۷۵۵	۲۸۰,۱۶۴	۳۴۲,۰۲۰	۴۶۵,۱۶۷	۸۴۶,۵۰۹	۱۱۱۹۳۱۸	۱۱۱۹۹۶۸
۷۵-۷۹	۱۱۷۲۵۴	۱۰۴۱۷۷	۲۰۴,۰۹۷	۲۰۹,۵۳۰	۱۸۵,۹۹۳	۳۶۴,۱۱۸	۶۹۴۱۲۲	۹۱۳۵۳۱
۸۰-۸۴	۶۴۷۶۰	۱۰۵۱۸۲	۱۴۵,۶۷۸	۱۸۳,۵۸۷	۱۳۹,۷۸۱	۱۴۶,۴۷۰	۶۴۵۶۰۱	۳۱۳۵۳۹
۸۵+	۶۹۶۳۴	۷۱۹۶۹	۱۰۹,۲۹۳	۲۱۶,۴۹۸	۲۷۲,۵۴۰	۱۹۴,۰۶۷	-	۴۶۳۲۲
کل	۱۸۹۵۴۴۰۴	۲۵۰۷۹۹۲۳	۳۳۷۰۸۷۴۴	۴۹۴۴۵۰۱۰	۵۵۸۳۷۱۶۳	۶۰۰۵۵۴۸۸	۷۰۴۹۵۷۸۲	۷۵۱۴۹۶۶۹

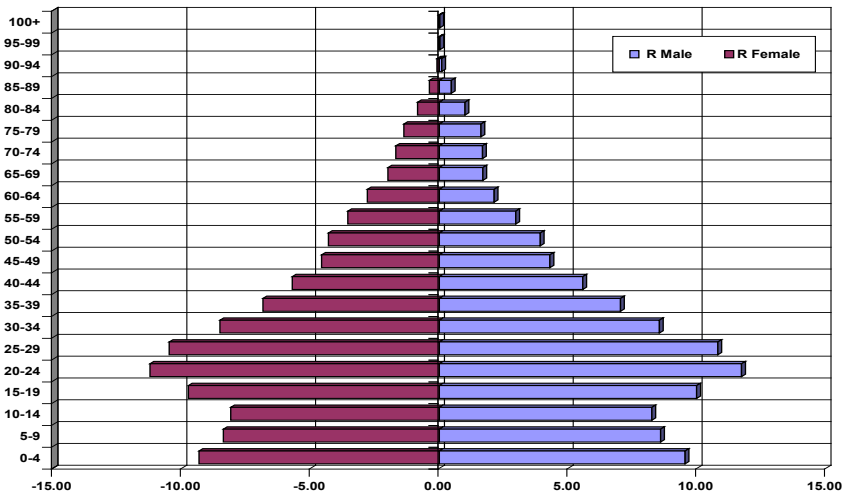
جدول ۴. جمعیت ایران بر حسب نسبت در صدگروه‌های سنی پنج ساله در سرشماری‌های مختلف (۱۳۹۰-۱۳۳۵)

گروه سنی	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰
۰-۴	۱۷,۶۶	۱۷,۶۹	۱۶,۱۱	۱۸,۲۹	۱۴,۵۸	۱۰,۲۶	۷,۷۵	۸,۲۹
۵-۹	۱۴,۸۹	۱۶,۳۷	۱۵,۶۵	۱۵,۲۲	۱۶,۱۸	۱۴,۱۲	۷,۸۱	۷,۵۳
۱۰-۱۴	۹,۶۲	۱۲,۰۳	۱۲,۷۷	۱۱,۹۴	۱۳,۵۲	۱۵,۱۲	۹,۵۲	۷,۵۵
۱۵-۱۹	۷,۴۹	۸,۴۹	۱۰,۶۸	۱۰,۵۰	۱۰,۵۸	۱۱,۸۵	۱۲,۳۸	۸,۷۹
۲۰-۲۴	۷,۹۰	۶,۷۱	۸,۲۸	۸,۴۸	۸,۸۶	۸,۷۰	۱۲,۷۸	۱۱,۲۰
۲۵-۲۹	۸,۰۱	۶,۵۸	۶,۲۶	۷,۳۹	۷,۱۷	۷,۸۴	۱۰,۲۵	۱۱,۵۴
۳۰-۳۴	۷,۳۱	۶,۶۵	۵,۰۶	۵,۹۲	۶,۲۸	۶,۶۳	۷,۸۸	۹,۲۸
۳۵-۳۹	۵,۷۲	۵,۶۵	۴,۸۳	۴,۲۸	۵,۱۳	۵,۹۵	۶,۹۸	۷,۴۱
۴۰-۴۴	۴,۵۵	۵,۲۷	۴,۹۵	۳,۳۵	۳,۶۵	۴,۶۸	۵,۸۰	۶,۵۳
۴۵-۴۹	۴,۱۰	۳,۳۶	۴,۱۲	۳,۲۱	۲,۸۳	۳,۳۵	۵,۰۰	۵,۳۶
۵۰-۵۴	۳,۵۳	۲,۹۵	۳,۹۴	۳,۲۳	۲,۸۱	۲,۵۵	۳,۹۱	۴,۶۹
۵۵-۵۹	۲,۹۳	۱,۷۱	۲,۰۹	۲,۷۱	۲,۵۸	۲,۲۸	۲,۶۸	۳,۵۷
۶۰-۶۴	۲,۲۸	۲,۶۷	۱,۷۳	۲,۴۰	۲,۳۳	۲,۳۰	۲,۰۸	۲,۴۸
۶۵-۶۹	۱,۶۰	۱,۳۸	۱,۰۳	۱,۱۶	۱,۵۹	۱,۷۹	۱,۷۰	۱,۷۹
۷۰-۷۴	۱,۰۴	۱,۳۶	۱,۱۳	۰,۶۹	۰,۸۳	۱,۴۱	۱,۵۹	۱,۴۹
۷۵-۷۹	۰,۶۲	۰,۴۲	۰,۶۱	۰,۴۲	۰,۳۳	۰,۶۱	۰,۹۸	۱,۲۲
۸۰-۸۴	۰,۳۴	۰,۴۲	۰,۴۳	۰,۳۷	۰,۲۵	۰,۲۴	۰,۹۲	۰,۴۲
۸۵+	۰,۳۷	۰,۲۹	۰,۳۲	۰,۴۴	۰,۴۹	۰,۳۲		۰,۰۶
کل سنین	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

نکاره ۲. هرم سنی جمعیت شهری ایران در سرشماری ۱۳۹۰



نگاره ۳. هرم سنی جمعیت روستایی ایران در سرشماری ۱۳۹۰



اهمیت سه گروه عمده سنی

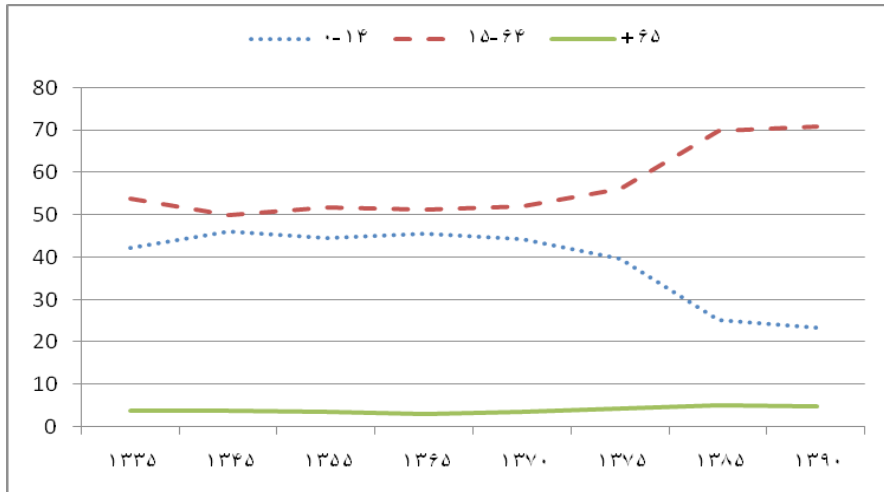
اگر چه تغییر در ساختار سنی جمعیت ممکن است در همه سنین مشهود باشد، بررسی تغییرات سه گروه عمده سنی ۱۴-۰ ساله، ۶۴-۱۵ ساله و ۶۵ سال به بالا حائز اهمیت بیشتری است. اعضای گروه سنی ۱۴-۰ ساله معمولاً از لحاظ اقتصادی فعال نیستند، در حالیکه تامین امکانات آموزش نظری و عملی و فراهم ساختن امکانات کار و اشتغال آنها می‌تواند مستلزم سرمایه‌گذاری سنگینی باشد. اعضای گروه سنی ۶۵ سال به بالا نیز در مرحله بازنشستگی و خروج از بازار کار و فعالیت اقتصادی قرار دارند و افزایش سهم آنها از جمعیت مستلزم سرمایه‌گذاری بسیار سنگینی در زمینه تامین اجتماعی، حقوق بازنشستگی و خدمات بهداشتی/ درمانی مورد نیاز این گروه سنی می‌باشد.

بار این سرمایه‌گذاری‌ها بر دوش جمعیت بالقوه فعال ۶۴-۱۵ ساله است و طبعاً هر چه تعداد و سهم نسبی این گروه سنی از کل جمعیت بیشتر باشد احتمال رشد اقتصادی جامعه بیشتر خواهد بود. این موضوع در سال‌های اخیر تحت عنوان «جایزه جمعیت شناختی»^۲ یا «روزنه فرصت جمعیت شناختی»^۳ توسط اقتصاددانان و جمعیت‌شناسان مورد توجه و بررسی قرار گرفته است (Bloometal, 2003). دو دهه اخیر شاهد کاهش تعداد و سهم نسبی گروه سنی ۱۴-۰ ساله و افزایش چشم‌گیر گروه سنی بالقوه فعال (۶۴-۱۵ ساله) از جمعیت ایران و در نتیجه گسترش روزنه فرصت جمعیت شناختی ایران بوده‌است (جدول ۲ و نگاره ۷).

۲- Demographic Bonus

۳- Demographic Window of Opportunity

نگاره ۴. سهم (در صد) سه گروه عمده سنی از جمعیت کشور در سرشماری های ۱۳۳۵-۱۳۹۰

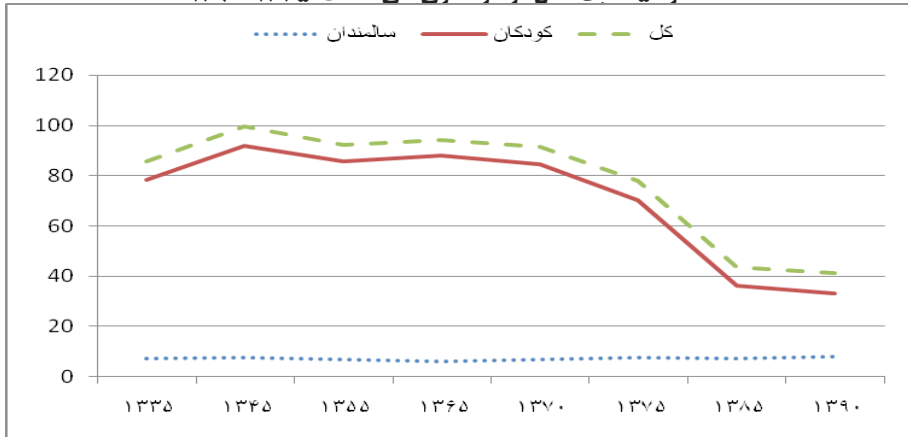


نسبت های تکفل

برای بررسی ساختار سنی جمعیت و الزامات اقتصادی آن معمولاً از مفهوم نسبت تکفل استفاده می‌شود. این نسبت از تقسیم کودکان ۰-۱۴ ساله و سالمندان ۶۵ سال به بالا بر جمعیت بالقوه فعال (۱۵-۶۴ ساله) بدست می‌آید و گویای آن است که هر فرد بالقوه فعال باید مسئولیت تامین نیازهای اقتصادی چند نفر را بر عهده گیرد. نسبت‌های تکفل جمعیت ایران در طی پنجاه سال گذشته به تفکیک نسبت کودکان و سالمندان در جدول ۲ و نگاره ۵ ارائه شده‌است.

از بررسی جدول ۲ معلوم می‌شود که بار تکفل سالمندان در طی پنجاه سال گذشته در سطح پایینی قرار داشته و تغییر چندانی نکرده است. بار تکفل کودکان که قسمت اعظم بار تکفل جمعیت ایران را تشکیل می‌دهد بعد از نوساناتی بین ۱۳۳۵-۱۳۶۵ طی دو دهه اخیر روند نزولی چشم‌گیری را تجربه کرده و بین ۱۳۹۰-۱۳۶۵ از ۸۸/۳۷ درصد به ۳۲/۹۸ درصد رسیده‌است. این روند نزولی در مورد جمعیت شهری (از ۷۹ درصد به ۳۳ درصد) و روستایی (از ۸۸ درصد به ۳۲ درصد) تقریباً به یک اندازه چشم‌گیر بوده است. بار تکفل کلی جمعیت ایران نیز در طی دو دهه‌ی اخیر بسیار تقلیل یافته و از ۹۴/۳ درصد به ۴۱/۱ درصد رسیده‌است.

نگاره ۵. نسبت تکفل در سرشماری‌های مختلف ۱۳۳۵-۱۳۹۰



میانگین و میانه سنی

تغییر ساختار سنی بر میانگین سنی جمعیت اثر گذاشته و باعث شده است میانگین سنی جمعیت ایران که در سرشماری ۱۳۶۵ به ۲۱/۷ سال تقلیل یافته بود سریعاً رو به افزایش گذاشته و در سرشماری‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ به ترتیب به ۲۴/۰۳ و ۲۷/۹۹ سال برسد. تغییرات مشابهی در میانه سنی جمعیت رخ داده و این شاخص که در فاصله ۱۳۳۵ و ۱۳۶۵ از ۲۰/۲ به ۱۷/۰۱ سال کاهش یافته بود، در فاصله سه سرشماری اخیر روند صعودی پیدا کرده و به ۱۹/۴، ۲۳/۸۹ و ۲۷ سال رسیده است. در همه تغییرات بالا، دوره پنج ساله مقدم بر سرشماری ۱۳۹۰ بیشترین مقدار افزایش را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، در حالی که در سرشماری‌های ۱۳۸۵ نصف جمعیت کشور کمتر از ۲۳/۹ سال داشتند، در حال حاضر نصف جمعیت کشور بیش از ۲۷ سال سن دارد.

جدول ۵. میانگین و میانه سن در سرشماری‌های مختلف، ۱۳۳۵-۱۳۹۰

سال	میانگین سن		میانه سن	
	مردان	زنان	مردان	زنان
۱۳۳۵	۲۲	۲۴		
۱۳۴۵	۱۶	۲۳		
۱۳۵۵	۱۷	۲۲	۱۷	۱۸
۱۳۶۵	۱۷	۲۲	۱۷	۱۷
۱۳۷۰	۱۸	۲۲	۱۸	۱۸
۱۳۷۵	۱۹	۲۴	۱۹	۲۰
۱۳۸۵	۲۴	۲۸	۲۴	۲۴
۱۳۹۰	۲۷	۳۰	۲۷	۲۷

نرخ رشد جمعیت

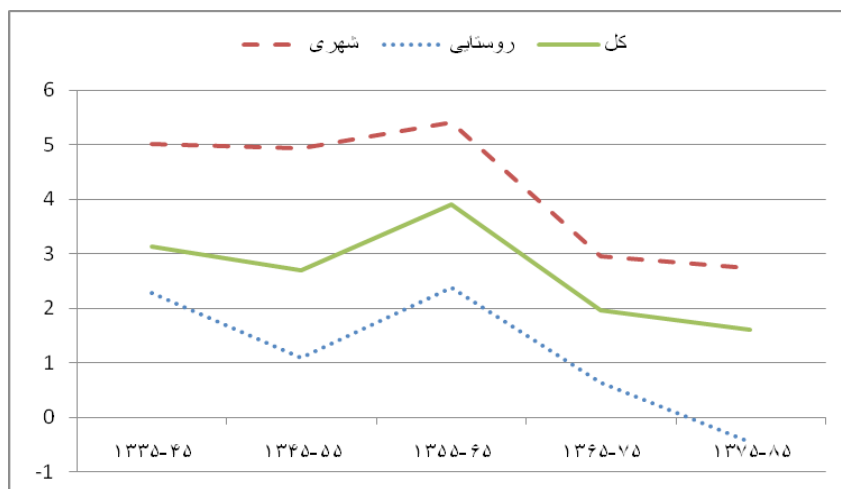
همانطور که اشاره شد، جمعیت ایران در طی پنجاه و پنج سال گذشته به نحو چشم گیری افزایش یافته و تقریباً چهار برابر شده است. مقایسه جمعیت سرشماری شده در مقاطع مختلف مورد بررسی، نرخ های رشد متفاوتی را برای جمعیت شهری و روستایی بدست می دهد که در جدول ۶ ارائه شده است. نرخ رشد کل جمعیت که در فاصله دو سرشماری اول به ۳/۱۳ درصد در سال رسیده بود، در فاصله سرشماری دوم و سوم (۱۳۴۵-۱۳۴۵) به ۲/۷۱ درصد تقلیل پیدا کرد. علت عمده این تغییر، ظاهراً اتخاذ سیاست تحدید موالید و اجرای برنامه تنظیم خانواده بین ۱۳۴۶ و ۱۳۵۵ بود. در دهه بعد نرخ رشد سالانه جمعیت بطور چشم گیری افزایش پیدا کرد و به ۳/۹۱ درصد در سال رسید. با این نرخ رشد جمعیت ایران می توانست در کمتر از بیست سال دو برابر شود. اما دوره صعود باروری و نرخ رشد بالای دهه اول بعد از انقلاب عمر کوتاهی داشت و از اواسط دهه ۱۳۶۰ اثری از کاهش نرخ باروری و رشد جمعیت بروز کرد بطوریکه سرشماری توام با آمارگیری ۱۳۷۰ نرخ رشد جمعیت کشور را ۲/۹۱ درصد در سال نشان داد. طبق نتایج سرشماری ۱۳۷۵ نرخ رشد جمعیت ایران طی دهه ۷۵ - ۱۳۶۵ تقریباً نصف شده و به ۱/۹۶ درصد در سال رسیده بود. این روند کاهش نرخ رشد در دهه بعد هم ادامه پیدا کرده و طبق سرشماری ۱۳۸۵ جمعیت ایران در دهه مقدم بر آن سرشماری با نرخ رشد سالانه ۱/۶۱ درصد افزایش یافته است. این رقم در سرشماری ۱۳۹۰ به ۱/۲۹ درصد کاهش یافته بود.

مقایسه نرخهای رشد جمعیت شهری و روستایی گویای نرخ رشد بسیار بالاتر جمعیت شهری است که عمدتاً از مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگ و یا تبدیل شدن روستاها به شهر و یا تاسیس شهرهای جدید ناشی شده است. بالاترین نرخهای رشد جمعیت شهری (۵/۴۱ درصد) و روستایی (۲/۳۹ درصد) در دهه اول بعد از انقلاب بروز کرده و طی دو دهه بعد نرخ رشد جمعیت شهری و روستایی بطور چشمگیری کاهش پیدا کرده است. این کاهش در مورد جمعیت روستایی بسیار چشمگیرتر بوده و به رقم ۰/۶۴ درصد در فاصله ۱۳۶۵-۱۳۷۵ و ارقام منفی ۰/۴۴- در فاصله ۱۳۷۵-۱۳۸۵ منجر شده است.

جدول ۶. نرخ رشد سالانه جمعیت ایران در فاصله سرشماریهای ۱۳۳۵-۱۳۸۵

کل	شهری	روستایی	دوره
۳,۱۳	۵,۰۲	۲,۳	۱۳۳۵-۴۵
۲,۷۱	۴,۹۳	۱,۱۱	۱۳۴۵-۵۵
۳,۹۱	۵,۴۱	۲,۳۹	۱۳۵۵-۶۵
۱,۹۶	۲,۹۵	۰,۶۴	۱۳۶۵-۷۵
۱,۶۱	۲,۷۴	۰,۴۴-	۱۳۷۵-۸۵

نگاره ۶. نرخ رشد سالانه جمعیت ایران در فاصله سرشماریهای ۱۳۳۵-۱۳۸۵



عوامل موثر بر رشد جمعیت

تغییرات جمعیتی از سه عامل عمده ولادت، مرگ و میر و مهاجرت ناشی می‌شود. از این سه عامل، مرگ و میر در دوره ماقبل مدرن (پیش از قرن بیستم در ایران) در سطحی بالا قرار داشت و علیرغم بالا بودن زاد و ولد مانع رشد جمعیت می‌شد. عامل زاد و ولد نیز بر اثر تاکید فرهنگ ایران بر اهمیت ازدواج و فرزندآوری تا دو دهه پایانی قرن بیستم در ایران در سطح بالائی قرار داشت و در صورت کاهش نرخ مرگ و میر می‌توانست به افزایش سریع جمعیت منجر شود (امانی، ۱۳۷۱: Mirzaie, 2005). افزایش چشمگیر جمعیت ایران در دهه‌های بعد از جنگ جهانی دوم در واقع معلول کاهش نرخ مرگ و میر و ادامه نرخ زاد و ولد در سطح قبلی آن بود. عامل مهاجرت بین‌المللی (از داخل کشور بخارج یا از خارج به داخل کشور) در قرن بیستم نقش مهمی در تغییرات جمعیتی ایران نداشته است. بنابراین تغییرات شگرفی که در طی دو دهه اخیر در نرخ رشد (و ساختار سنی) جمعیت ایران بوجود آمده بیش از هر چیز معلول کاهش سریع و شدید باروری بوده است (Mehryar & Ahmad-Nia, 2008).

نرخ رشد جمعیت ایران در فاصله ۱۳۳۵-۴۵ به بالاترین سطح خود تا آن تاریخ (۳/۱۴ درصد سال) رسیده بود. آگاهی از این نرخ رشد بالا و پیامدهای اجتماعی و اقتصادی آن مسوولان برنامه‌ریزی کشور را بر آن داشت که ایده ایجاد برنامه تنظیم خانواده و کنترل موالید را به طور جدی مطرح کنند و نظر مساعد دولت را به این موضوع جلب نمایند. برنامه رسمی تنظیم خانواده که در سال ۱۳۴۶ به راه افتاد توانست در دهه بعد تغییرات محسوسی را در

نرخ باروری و رشد جمعیت، بخصوص در مناطق شهری کشور ایجاد کند. اما این برنامه در سال های اول بعد از انقلاب مورد بی‌مهری قرار گرفت و علیرغم کوشش های وزیر بهداشت وقت (مرحوم دکتر سامی) و حمایت صریح امام خمینی و چند نفر دیگر از آیات عظام از اصل مجاز بودن تنظیم خانواده (آشفته تهرانی، ۱۳۶۴ ص ۳۲۲-۳۲۴) به حالت تعلیق درآمد.

شرایط اجتماعی و روانی ناشی از انقلاب و جنگ تحمیلی (بخصوص جیره‌بندی کالاهای اساسی و تخصیص کوپن علی حده برای نوزادان) باعث تشویق ازدواج و افزایش باروری شد. حاصل این شرایط، افزایش چشم گیر نرخ رشد جمعیت بود که در سرشماری ۱۳۶۵ دیده شد. اگر چه این افزایش رشد جمعیت در ابتدا با ابراز خوشحالی و استقبال مسوولین کشور روبرو شد ولی مشکلات جدی تامین غذا، امکانات آموزشی و خدمات بهداشتی - درمانی یک جمعیت بزرگ و سریعاً در حال رشد، بزودی توجه مسوولان برنامه‌ریزی کشور را به لزوم احیاء سیاست تنظیم خانواده و تحدید موالید جلب کرد. برنامه جدید تنظیم خانواده که در سال ۱۳۶۷ رسماً اعلام و بعنوان جزیی از اولین برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور به مرحله اجرا گذاشته شد به طور غیر منتظره‌ای با استقبال عمومی روبرو شد و توانست در فاصله ۱۳۷۰-۱۳۶۵ نرخ زاد و ولد و رشد جمعیت را به سطحی پائین تر از سطح سرشماری ۱۳۵۵ تقلیل دهد (Mehryar, Roudi, Aghajanian & Tajdini, 2001). واضح ترین شواهد کاهش باروری در فاصله دو سرشماری ۱۳۷۰-۷۵ بروز کرد. این کاهش در نقاط شهری و روستایی همه استان ها مشهود بود. نتایج سرشماری ۱۳۸۵ حاکی از آن است که کاهش نرخ باروری و رشد جمعیت در دهه بعد از سرشماری ۱۳۷۵ هم ادامه پیدا کرده و در بسیاری از استان های کشور نرخ باروری به سطحی پائین تر از سطح جانشین سازی (تولد دو فرزند توسط هر زن) تنزل کرده است. کاهش نرخ باروری و رشد جمعیت در طی دو دهه گذشته هم در مراکز شهری و هم در مناطق روستایی مشهود است. در دوره پنجساله ۹۰-۱۳۸۵ تغییر چندانی در نرخ باروری جمعیت ایران بروز نکرده و حتی نتایج حاصل از تحلیل موالید ثبتي ۱۳۹۰ از اندکی افزایش در باروری ایرانیان در این دوره حکایت می کند. این افزایش در اکثر استان های کشور هم به چشم می خورد.

باروری جمعیت ایران

همانطور که در بالا اشاره شد، دگرگونی ساختار سنی و نرخ رشد جمعیت ایران در طی پنجاه سال گذشته عمدتاً از تغییرات حاصل از نرخ باروری ناشی شده است. برای سنجش باروری، جمعیت شناسان معمولاً از شاخصی بنام نرخ خام (ساده) باروری استفاده می کنند که از تقسیم تعداد کودکان زیر یکسال بر جمعیت وسط سال سرشماری ضرب در ۱۰۰۰ بدست می آید. بررسی نرخ خام موالید ایران (جدول ۷) حاکی از آن است که این شاخص در چهار سرشماری اول بالاتر از ۴۰ در هزار بوده ولی در سرشماری ۱۳۷۵ به ۳۰/۱ در هزار و در سرشماری ۱۳۸۵ به ۱۵/۸ در هزار کاهش یافته است. ارقام جدول ۷ همچنین از تقلیل چشم گیر تفاوت میزان

موالید خام زنان در دو سرشماری اخیر به خصوص سرشماری ۱۳۸۵ حکایت می‌کند.

جدول ۷: تعداد کودکان، موالید ثبتی و موالید تخمینی سازمان ملل متحد

سال	جمعیت (سرشماری)	کودکان		موالید	
		زیر یکسال	یک ساله	ثبتی	تخمین سازمان ملل
۱۳۳۵	۱۸,۹۵	۰,۶۵	۰,۶۷	۰,۶۵	۰,۹۸
۱۳۴۵	۲۵,۷۹	۰,۸۳	۰,۸۵	۱,۱۰	۱,۱۳
۱۳۵۵	۳۳,۷۱	۰,۹۸	۱,۰۱	۱,۴۰	۱,۵۰
۱۳۶۵	۴۹,۴۵	۱,۷۸	۱,۸۳	۲,۲۶	۱,۹۲
۱۳۷۰	۵۵,۸۴	۱,۴۵	۱,۵۶	۱,۵۹	۱,۴۸
۱۳۷۵	۶۰,۰۶	۱,۰۲	۱,۱۰	۱,۱۹	۱,۳۲
۱۳۸۵	۷۰,۴۷	۱,۱۴	۱,۰۹	۱,۲۵	۱,۲۱
۱۳۹۰	۷۵,۱۵	۱,۲۳	۱,۲۷	۱,۳۸	۱,۲۷

طبق نتایج بررسی بسیار دقیق و مفصلی که در سال ۱۳۷۹ درباره جمعیت و سلامت در ایران به عمل آمده (وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، ۱۳۷۹: Mehryar, 2002) علی‌رغم تفاوت‌های چشم‌گیری که در سطح سواد و دیگر شاخص‌های توسعه بین زنان شهری و روستایی وجود داشت، نرخ استفاده از وسایل جلوگیری زنان روستایی فقط ده درصد از زنان شهری کمتر بوده که آنها عمدتاً از استفاده بیشتر زنان شهری از روش سنتی عزل ناشی بود (Mehryar, 2002).

جدول ۸: نرخ خام موالید، تعداد موالید ثبتی و موالید تخمینی سازمان ملل متحد

سال	کودکان		موالید	
	زیر یکسال	یک ساله	ثبتی	تخمین سازمان ملل
۱۳۳۵	۳۵,۰	۳۵,۶	۳۴,۳	۵۱,۵
۱۳۴۵	۳۲,۵	۳۳,۰	۴۲,۸	۴۳,۸
۱۳۵۵	۲۹,۵	۳۰,۰	۴۱,۵	۴۴,۶
۱۳۶۵	۳۶,۵	۳۷,۰	۴۵,۶	۳۸,۹
۱۳۷۰	۲۷,۰	۲۸,۰	۲۸,۵	۲۶,۴
۱۳۷۵	۱۷,۷	۱۸,۳	۱۹,۸	۲۱,۹
۱۳۸۵	۱۵,۸	۱۵,۴	۱۷,۸	۱۷,۲
۱۳۹۰	۱۶,۶	۱۶,۹	۱۸,۴	۱۷,۰

نرخ خام باروری را اگر برای گروه‌های سنی مختلف زنان ۱۵-۴۹ ساله محاسبه کنند نرخ باروری ویژه سنی بدست می‌آید. با جمع کردن نرخ‌های باروری ویژه سنی هفت گروه زنان ۱۵-۱۹، ۲۰-۲۴، ۲۵-۲۹، ۳۰-۳۴، ۳۵-۳۹، ۴۰-۴۴ و ۴۵-۴۹ ساله می‌توان به شاخص باروری دیگری بنام نرخ باروری عمومی^۴ (TFR) دست یافت. این شاخص معرف تعداد کودکانی است که هر زن ممکن است در طی دوره باروری خود بدنیا آورد. مقادیر باروری عمومی (TFR) جمعیت ایران در سرشماری‌های مختلف در جدول ۹ ارائه شده است.

جدول ۹: نرخ باروری عمومی، تعداد موالید ثبتی و موالید تخمینی سازمان ملل متحد

سال	کودکان		موالید	
	زیر یکسال	یک ساله	ثبتی	تخمین سازمان ملل
۱۳۳۵	۴,۷	۴,۹	۴,۷	۷,۲
۱۳۴۵	۴,۳	۴,۵	۵,۹	۶,۱
۱۳۵۵	۳,۹	۴	۵,۷	۶,۲
۱۳۶۵	۴,۹	۵,۱	۶,۴	۵,۳
۱۳۷۰	۳,۴	۳,۵	۳,۸	۳,۵
۱۳۷۵	۲,۱	۲,۳	۲,۵	۲,۸
۱۳۸۵	۲,۰	۱,۸	۲,۲	۲,۱
۱۳۹۰	۲,۰	۲,۰	۲,۳	۲

بطوریکه از این جدول بر می‌آید نرخ باروری عمومی زنان ایرانی که در چهار سرشماری اول در سطحی بالاتر از ۵ کودک برای هر زن بوده است، در سرشماری ۱۳۷۵ به کمتر از ۳ و در سرشماری ۱۳۸۵ به کمتر از ۲ کودک برای هر زن تقلیل پیدا کرده است. همراه با کاهش نرخ باروری عمومی کل جمعیت، نرخ باروری عمومی جمعیت شهری و روستایی هم شدیداً تقلیل یافته و در دو دهه اخیر تفاوت مناطق شهری و روستایی در نرخ باروری عمومی نیز بسیار کاهش پیدا کرده است. بررسی تفصیلی نرخ‌های باروری در سطح استان، شهرستان و دهستان براساس داده‌های سرشماری ۱۳۸۵، از کاهش چشم‌گیر باروری در همه استان‌ها و شهرستان‌ها و نقاط شهری و روستایی کشور حکایت می‌کند (Mehryar & Ahmad-Nia, 2008). در حالیکه در سرشماری ۱۳۶۵ نرخ باروری عمومی (TFR) همه استان‌ها بالاتر از ۳ کودک برای هر زن بود در سرشماری ۱۳۸۵ فقط در یک استان (سیستان و بلوچستان) نرخ باروری عمومی بیشتر از ۳ است.

۴- Total Fertility Rate (TFR)

جدول ۱۰: تعداد تخمینی کودکان، موالید ثبت شده و موالید تخمینی سازمان ملل متحد

سال	جمعیت (میلیون)	کودکان		موالید	
		زیر یکسال	یک ساله	ثبتی	تخمین سازمان ملل
۱۳۳۵	۱۸,۹۵	۰,۶۵	۰,۶۷	۰,۶۵	۰,۹۸
۱۳۴۵	۲۵,۷۹	۰,۸۳	۰,۸۵	۱,۱۰	۱,۱۳
۱۳۵۵	۳۳,۷۱	۰,۹۸	۱,۰۱	۱,۴۰	۱,۵۰
۱۳۶۵	۴۹,۴۵	۱,۷۸	۱,۸۳	۲,۲۶	۱,۹۲
۱۳۷۰	۵۵,۸۴	۱,۴۵	۱,۵۶	۱,۵۹	۱,۴۸
۱۳۷۵	۶۰,۰۶	۱,۰۲	۱,۱۰	۱,۱۹	۱,۳۲
۱۳۸۵	۷۰,۴۷	۱,۱۴	۱,۰۹	۱,۲۵	۱,۲۱
۱۳۹۰	۷۵,۱۵	۱,۲۳	۱,۲۷	۱,۳۸	۱,۲۷

خانوار و میانگین اعضاء آن

اعضای جمعیت معمولاً به صورت خانوار (یعنی تعداد افرادی که با هم در یک واحد مسکونی اقامت داشته و در خورد و خوراک سهیم هستند) زندگی می‌کنند. تعداد خانوارهای عادی ایران در طی پنجاه و پنج سال گذشته از $\frac{3}{88}$ میلیون به $\frac{21}{18}$ میلیون افزایش یافته است. در فاصله سه سرشماری قبل از انقلاب تعداد خانوارهای ایرانی از $\frac{3}{98}$ میلیون به $\frac{6}{71}$ میلیون رسیده بود. یعنی نتوانسته بود دو برابر شود. در دوره سی ساله بعد از انقلاب تعداد خانوارها به نحو چشم گیری افزایش پیدا کرده و از $\frac{6}{71}$ میلیون در ۱۳۵۵ به $\frac{17}{49}$ میلیون در ۱۳۸۵ و $\frac{21}{18}$ میلیون در ۱۳۹۰ رسیده است. بیشترین افزایش در تعداد خانوارها در فاصله دو سرشماری ۱۳۷۵-۱۳۸۵ صورت گرفته که بیش از پنج میلیون خانوار جدید یعنی معادل همه خانوارهای موجود در سرشماری ۱۳۴۵ به وجود آمده است.

جدول ۱۱: تعداد و میانگین اعضای خانوار

سال	میانگین بعد خانوار			تعداد خانوار		
	کل	شهری	روستایی	کل	شهری	روستایی
۱۳۷۵	۴,۸۵	۴,۶۴	۵,۱۸	۱۲,۳۸۷,۹۴۳	۷,۹۴۳,۱۸۹	۴,۴۴۴,۷۵۴
۱۳۸۵	۴,۰۳	۳,۸۹	۴,۳۶	۱۷,۴۹۵,۹۵۲	۱۲,۴۰۱,۵۸۲	۵,۰۹۴,۳۶۹
درصد تغییر	۱۶,۹۱	۱۶,۶۰	۱۵,۸۳	۴۱,۲۳	۵۶,۱۳	۱۴,۶۱

به علت تفوق رشد جمعیت بر رشد خانوار در طی چهار سرشماری اول، میانگین اعضای خانوارها افزایش پیدا کرده و از $\frac{4}{76}$ در ۱۳۳۵ به $\frac{5}{11}$ در ۱۳۶۵ رسیده بود. این افزایش در مورد خانوارهای

روستائی تا سرشماری ۱۳۶۵ ادامه یافته و از ۴/۷۵ نفر به ۵/۴۵ نفر رسیده بود. اما میانگین اعضای خانوارهای شهری که در فاصله ۱۳۳۵-۱۳۴۵ بالا رفته بود در دهه بعد اندکی کاهش پیدا کرده و طبق سرشماری ۱۳۶۵ در حدود یک نفر از میانگین اعضاء خانوارهای شهری در مقایسه با سرشماری ۱۳۴۵ کم شده بود. سرشماری ۱۳۷۵ از افزایش چشم گیر میانگین اعضاء خانوارهای شهری (از ۴ نفر به ۴/۶۳ نفر) حکایت می کرد. اما در دهه بعد میانگین اعضاء خانوارهای شهری مجدداً کاهش یافته و به ۳/۸۹ در ۱۳۸۵ و ۳/۴۸ در ۱۳۹۰ رسیده است.

ازدواج و وضع تأهل

جامعه سنتی ایران از دیرباز روی ضرورت ازدواج و تشکیل خانواده تأکید داشته و انتخاب همسری مناسب برای دختران و پسران نوجوان را از وظایف عمده والدین و خانواده بزرگ، محسوب داشته است. در دوره پنجاه ساله مورد بررسی، دو سیاست کمابیش متضاد در این مورد به مرحله اجرا گذاشته شده است. در دوره قبل از انقلاب و بدنبال تشکیل برنامه تنظیم خانواده، بالا بردن سن ازدواج بعنوان وسیله ای برای تحدید باروری مورد توجه قرار گرفت و به این منظور سن قانونی ازدواج افزایش داده شد. بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب این قانون لغو شد و ازدواج زودرس بعنوان ارزشی دینی تبلیغ شد.

جدول ۱۲: میانگین سن در ازدواج اول زنان و مردان به تفکیک شهری و روستایی، ۱۳۳۵-۱۳۹۰

سال	زن			مرد		
	شهر	روستا	کل	شهر	روستا	کل
۱۳۳۵		۱۷,۹	۱۹,۱	۱۹,۶	۲۲,۳	۲۲,۴
۱۳۴۵		۱۹,۰	۲۰,۲	۲۰,۰	۲۲,۵	۲۳,۵
۱۳۵۵	۱۸,۵	۱۸,۴	۱۹,۷	۱۹,۹	۲۲,۴	۲۳,۲
۱۳۶۵		۲۴,۴	۲۲,۷	۲۲,۶	۲۴,۵	۲۵,۵
۱۳۷۵		۲۵,۶	۲۵,۱	۲۴,۲	۲۶,۲	۲۶,۵
۱۳۸۵	۲۵,۵	۲۵,۰	۲۴,۱	۲۳,۶	۲۵,۶	۲۶,۲

علیرغم تغییر قانون و کوشش رهبران دینی و نهادهای مالی وابسته به آنها به تشویق و تسهیل ازدواج، سن ازدواج که از دهه ۱۳۴۰ روند صعودی پیش گرفته بود در سه دهه اخیر هم به افزایش خود ادامه داده است (جدول ۱۲). این افزایش که در دهه اول بعد از انقلاب اندکی کند شده بود، در دو دهه بعد هم در مناطق شهری و هم در جوامع روستایی ادامه پیدا کرده است. افزایش سن متوسط ازدواج مخصوصاً در مورد زنان چشم گیر بوده است. علت اصلی بالا رفتن سن ازدواج، کاهش چشم گیر شیوع ازدواج در میان زنان و مردان زیر ۱۹ سال است.

سواد، تحصیلات و سرمایه انسانی

بی سوادی و کمبود سرمایه انسانی از دیرباز بعنوان یکی از موانع اصلی توسعه در ایران شناخته شده است. تاسیس دارالفنون توسط امیرکبیر در اواسط قرن نوزدهم و تاکید بر آموزش عمومی در قانون اساسی مشروطه، از نشانه‌های این توجه بود. معهدا حتی در اواخر حکومت رضاشاه سطح سواد در مراکز شهری عمده چون تهران، اصفهان، تبریز و شیراز در سطح بسیار پائینی قرار داشت.

گسترش امکانات آموزش عمومی و تربیت نیروی انسانی در برنامه‌های توسعه که از سال ۱۳۲۹ به بعد به مرحله اجرا گذاشته شده مورد توجه قرار گرفته و منابع زیادی به این مهم اختصاص یافته است. نتایج این سرمایه گذاری، در نرخ باسوادی (درصد باسوادی جمعیت شش ساله به بالا) متجلی شده است (جدول ۱۳). در سال ۱۳۳۵ فقط یک درصد زنان و ده درصد مردان روستایی از سواد خواندن و نوشتن بهره‌مند بودند. اگرچه نرخ باسوادی جمعیت شهری بسیار بهتر بود، حتی در این بخش خوش اقبال هم (در آن تاریخ، کمتر از یک سوم جمعیت کشور را در بر می‌گرفت) کمتر از نصف (۴۵/۲ درصد) مردان و اندکی بیش از یک پنجم (۲۳/۵ درصد) زنان باسواد بودند. بر اثر طرح‌های ابتکارآمیز (از قبیل سپاه دانش و سوادآموزی بزرگسالان) که در طی دو دهه بعد، به مرحله اجرا گذاشته شد سطح سواد جمعیت تا حد زیادی بالا رفته بود. ولی حتی در سرشماری ۱۳۵۵ بیش از یک دوم (۵۶ درصد) مردان و چهار پنجم (۸۲/۵ درصد) زنان روستایی بی سواد بودند.

دوره سی ساله بعد از انقلاب پیشرفت‌های چشم‌گیری را هم از حیت ارتقای سطح باسوادی کل جمعیت و هم از لحاظ کاهش فاصله بین زنان و مردان و جمعیت شهری و روستایی شاهد بوده است. حتی در سال ۱۳۶۵ که جمهوری اسلامی با مسائل اقتصادی و امنیتی شدید ناشی از جنگ تحمیلی دست به گریبان بود نرخ باسوادی جمعیت روستایی، بخصوص زنان، نسبت به آخرین سرشماری قبل از انقلاب افزایش چشم‌گیری را نشان می‌داد. این روند در سرشماری‌های بعدی ادامه پیدا کرده بطوریکه در سال ۱۳۸۵ نرخ باسوادی مردان و زنان شهری به ۸۸،۷۴ درصد و ۸۰،۳۴ درصد و نرخ باسوادی مردان و زنان روستایی به ۸۱/۸۹ درصد و ۶۸/۸۹ درصد رسیده و به این ترتیب شکاف سنتی بین جمعیت شهری و روستایی و زنان و مردان بسیار کاهش یافته بود.

بررسی تعداد افراد باسواد در سرشماری‌های مختلف به تفکیک شهری و روستایی نشان می‌دهد که تعداد افراد باسواد در طی سه دهه گذشته تقریباً چهار برابر شده و از ۱۲/۸۹ میلیون در ۱۳۵۵ به ۵۷ میلیون در ۱۳۹۰ رسیده است. طبق سرشماری اخیر اکثریت جمعیت بیسواد را زنان و مردان نسبتاً مسن تشکیل می‌دهند. در سنین کودکی و نوجوانی (۶ تا ۱۴ سالگی) و حتی جوانی (۱۵ تا ۱۹ سالگی) نرخ باسوادی جمعیت از ۹۵ درصد فراتر رفته و تفاوت‌های شهری، روستایی و جنسیتی به چند درصد تقلیل پیدا کرده است.

جدول ۱۳. نرخ باسوادی جمعیت ۶ سال به بالا به تفکیک جنس و شهری و روستایی

سال	مردان		زنان	
	شهری	روستایی	شهری	روستایی
۱۳۳۵	۴۵,۲	۱۰,۸	۲۰,۶	۰
۱۳۴۵	۶۱,۵	۲۵,۴	۳۸,۳	۴,۳
۱۳۵۵	۷۴,۴	۴۳,۶	۵۵,۷	۱۷,۴
۱۳۶۵	۸۰,۵	۶۰,۱	۶۵,۲	۳۶,۰
۱۳۷۰	۸۶,۷	۷۲,۶	۷۶,۸	۵۴,۲
۱۳۷۵	۸۹,۶	۷۶,۷	۸۱,۷	۶۲,۴
۱۳۸۵	۹۲,۲	۸۱,۲	۸۵,۶	۶۹,۱

علاوه بر نرخ باسوادی، سطح تحصیلات رسمی جمعیت ایران نیز در طی سی سال گذشته بسیار تغییر کرده است (جدول ۱۴). طبق سرشماری ۱۳۵۵ سطح تحصیلات بیش از نصف جمعیت باسواد غیرمحصل، ابتدایی بود. این رقم در سرشماری ۱۳۷۵ به ۳۵/۲ درصد و در سرشماری ۱۳۸۵ به ۲۵ درصد تقلیل پیدا کرده بود. در مقابل سهم دارندگان تحصیلات عالی از جمعیت باسواد که در سال ۱۳۵۵، ۵/۴ درصد بود در سرشماریهای ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ به ترتیب به ۶/۷۴ و ۱۱/۹۰ درصد رسیده بود. هرگاه این ارقام را بصورت تعداد مطلق دارندگان تحصیلات عالی در نظر بگیریم دستاوردهای دو دهه اخیر در زمینه تولید سرمایه انسانی بهتر معلوم خواهد شد. در سال ۱۳۵۵ فقط ۱/۲۷ میلیون نفر از جمعیت باسواد غیر محصل دارای تحصیلات دبیرستانی بودند. در سال ۱۳۸۵ این رقم به ۹/۰۵ میلیون نفر رسیده بود. در سال ۱۳۵۵ تعداد افراد باسواد غیر محصل دانشگاهی، کمتر از سیصد هزار نفر (۲۸۲۸۴۹) بود؛ در حالیکه در سرشماری ۱۳۸۵ بیش از ۴/۳۳ میلیون نفر از جمعیت باسواد غیر محصل دارای تحصیلات دانشگاهی بودند.

جدول ۱۴. درصد دارندگان سطوح مختلف تحصیلی از جمعیت باسواد سر شماری شده در سال های ۱۳۹۰-۱۳۵۵.

ابتدایی	راهنمایی	فنی و حرفه‌ای	دبیرستان	عالی	غیر رسمی	سواد آموزی
۵۳,۵۲	۱,۶	۲,۲۱	۲۴,۲	۵,۳۶	۱۲,۹۹	۰,۱۲
۴۱,۴۶	۱۶,۴۸	۲,۹۸	۲۳,۵۸	۴,۶۸	۵,۳۲	۵,۵۸
۳۵,۲۲	۲۳,۳	۱,۹۷	۲۰,۷۶	۶,۷۴	۲,۴۶	۹,۴۳
۲۴,۹۸	۲۳,۶	۶,۹۶	۲۴,۹۳	۱۱,۹۳	۳,۲	۴,۴۱
۲۳,۸۴	۲۲,۷۹	۶,۶	۳۲,۹۲	۱۵,۸۳	۱,۲۸	۲,۷۹

در همین مدت تعداد باسوادان غیر محصل دارای تحصیلات کامل دبیرستانی هم از ۱/۲۸ میلیون به ۹/۰۵ میلیون افزایش یافته و هفت برابر شده است. افزایش مطلق و نسبی باسوادان غیر محصل دارای تحصیلات فنی / حرفه‌ای (از ۱۱۶۴۴۵ به ۲/۵۲ میلیون) و عالی (از ۲۸۲۸۴۹ به ۴/۳۳ میلیون نفر) از این هم چشم‌گیرتر است. نکته مهم دیگر آن است که این تغییرات فقط به جمعیت شهری یا مردان محدود نمانده بلکه سرمایه انسانی جمعیت روستائی و زنان نیز در مقایسه با سال ۱۳۵۵ بهبود بسیار پیدا کرده است.

مشارکت در نیروی کار، اشتغال و بیکاری

علیرغم بهبود چشم‌گیر سرمایه انسانی در طی سی سال گذشته، مشارکت در نیروی کار نه تنها افزایش نیافته بلکه کاهش نیز پیدا کرده است. این کاهش از یک لحاظ مثبت و مغتنم است چون بر اثر افزایش فرصت‌های آموزشی و اشتغال به تحصیل درصد بسیار بالایی از افراد ۱۰-۱۹ ساله حاصل شده است. اما علت دیگر پائین بودن نرخ مشارکت در بازار کار پایین ماندن نرخ فعالیت اقتصادی زنان ایران است.

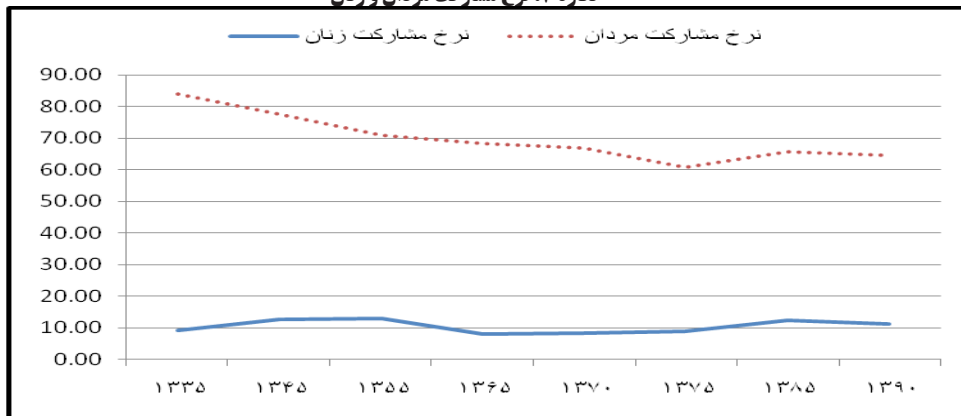
مرکز آمار ایران معمولاً نرخ فعالیت اقتصادی یا مشارکت در بازار کار را با توجه به جمعیت ده سال به بالا محاسبه می‌کند. تمام افراد ده سال به بالا که در موقع سرشماری خود را دارای کار یا در جستجوی کار معرفی کنند فعال و بقیه غیرفعال تلقی می‌شوند. از تقسیم تعداد افراد فعال (شاغل با اضافه بیکار در جستجوی کار) بر جمعیت ده سال به بالا نرخ فعالیت اقتصادی یا مشارکت بدست می‌آید.

در طی دوره پنجاه ساله گذشته تعداد افراد واقع در سنین فعالیت اقتصادی (۱۰-۶۴ ساله) از ۱۰/۲ میلیون نفر به ۵۳/۲ میلیون نفر رسیده یا بعبارت دیگر ۵/۲ برابر شده است. در همین مدت، تعداد افراد ۱۰ سال به بالای فعال نیز از ۶/۰۷ میلیون نفر به ۲۴/۱۱ میلیون نفر رسیده یعنی در حدود چهار برابر شده است که از میزان افزایش کل جمعیت (۳/۷۲ برابر) چندان زیادتر نیست. نسبت جمعیت فعال به کل جمعیت ۱۰ سال به بالا در سرشماری ۱۳۳۵ اندکی کمتر از پنجاه درصد (۴۷/۴۶ درصد) بود ولی در سرشماری‌های بعدی مرتباً کاهش یافت تا در سرشماری ۱۳۷۵ به پائین‌ترین مقدار خود (۳۵/۳ درصد) برسد. اما دهه گذشته با افزایش نرخ فعالیت جمعیت ده سال به بالا همراه بود و شاخص مزبور طبق سرشماری ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ به ۳۹/۴۳ و درصد رسیده است.

همانطور که اشاره شد یک علت عمده پائین بودن نرخ مشارکت اقتصادی در ایران آن است که درصد بسیار کمی از زنان طبق تعریف مرکز آمار ایران فعال محسوب می‌شوند. مقایسه نرخ‌های مشارکت زنان و مردان در طی پنجاه سال گذشته این موضوع را بخوبی نشان می‌دهد. اگر چه تعداد زنان و مردان ۱۰ سال به بالای در طی این مدت بسیار بهم شبیه بوده، نرخ مشارکت زنان در بالاترین حد آن (سال ۱۳۵۵) به سیزده درصد نرسیده است، در حالیکه نرخ مشارکت

مردان علیرغم سیر نزولی آن تا ۱۳۷۵ از شصت درصد بالاتر بوده است. طی دهه گذشته نرخ مشارکت مردان به ۶۵ درصد رسیده در حالیکه نرخ مشارکت زنان در همان سطح پائین ۱۲/۳۹ باقی مانده است. نرخ‌های فعالیت در سرشماری ۱۳۹۰ (۶۴,۶ درصد مردان، ۱۱,۴ درصد زنان و ۳۸,۱۲ درصد کل جمعیت ۱۰ سال به بالا) فرق چندانی با سرشماری ۱۳۸۵ نشان نمی‌دهد. طی دهه اول بعد از انقلاب نرخ مشارکت زنان شدیداً کاهش پیدا کرد ولی مقدار نسبی این کاهش در مورد زنان روستایی (از ۱۶/۵۶ درصد به ۷/۹۳ درصد) بسیار چشم‌گیرتر بود. سرشماری ۱۳۸۵ افزایش مختصری را در نرخ مشارکت زنان شهری و روستایی نشان می‌دهد که با توجه به سرمایه‌گذاری عظیم در پرورش سرمایه انسانی زنان و افزایش چشم‌گیر زنان دارای تحصیلات دبیرستانی و دانشگاهی، در دهه مقدم بر سرشماری اخیر چندان تشویق‌کننده نیست.

نگاره ۷: نرخ مشارکت مردان و زنان



نرخ‌های اشتغال و بیکاری

اگرچه اکثریت قاطع افراد فعال در زمان سرشماری شاغل بوده‌اند، نرخ اشتغال در طی دوره پنجاه ساله مورد بررسی روندی نزولی داشته و از بیش از ۹۷ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۸۵/۸ درصد در سال ۱۳۶۵ رسیده بود. در دهه بعد نرخ اشتغال افزایش پیدا کرد و به ۸۶/۶۵ درصد رسید ولی طی دهه بعد نرخ اشتغال مجدداً کاهش پیدا کرده و در سال ۱۳۸۵ به ۷۶/۶۱ درصد رسیده بود.

کاهش نرخ اشتغال به معنی افزایش نرخ بیکاری است. نرخ بیکاری مردان که از دهه ۱۳۴۵ رو به افزایش گذاشته بود در سرشماری ۱۳۶۵ به بالاترین سطح خود (۱۲/۹۱ درصد) رسیده بود. سرشماری ۱۳۷۵ حاکی از کاهش چشم‌گیر نرخ بیکاری مردان (از ۱۲/۹۱ به ۸/۴۶ درصد) بود ولی طی دهه بعد و با ورود موج عظیم متولدین دهه ۶۵-۱۳۵۵ به بازار کار این نرخ مجدداً بالا رفت و به ۱۰/۸۱ درصد رسید. نرخ بیکاری زنان که در سرشماری ۱۳۵۵ به

۱۶/۳۸ درصد رسیده بود (یعنی تقریباً دو برابر نرخ بیکاری زنان در ۱۳۴۵)، در اولین دهه بعد از انقلاب شدت افزایش پیدا کرد و به رقم بی سابقه ۲۵/۴ درصد رسید. در دهه بعد که با دوره سازندگی و ایجاد امکانات جدید اشتغال برای زنان همراه بود این رقم به ۱۳/۳۵ درصد یعنی تقریباً نصف رقم مربوط به ۱۳۶۵ نزول کرده بود. متأسفانه با ورود فوج عظیم زنان جوان و تحصیل کرده به بازار کار در دهه اخیر و ناتوانی بازار کار از جذب آنها نرخ بیکاری زنان مجدداً بالا رفته و به ۲۳/۳۴ درصد زنان فعال رسیده است.

زمینه‌های اصلی اشتغال

همانطور که انتظار می‌رود زمینه‌های اصلی اشتغال جمعیت فعال در طی پنجاه سال گذشته کاملاً فرق کرده است. در سال ۱۳۴۵ نزدیک به یک دوم (۴۶/۶ درصد) از جمعیت فعال در بخش کشاورزی مشغول به کار بودند و بقیه در بخش‌های خدمات (۲۷/۳ درصد) و صنعت (۲۵/۹ درصد). از سال ۱۳۶۵ به بعد سهم بخش خدمات از شاغلین افزایش یافته و سهم بخش کشاورزی به همان نسبت کاهش پیدا کرده است. در سال ۱۳۸۵ نزدیک به یک دوم (۴۸/۷ درصد) نیروی کار در بخش خدمات مشغول به کار بودند و بقیه در بخش‌های صنعت (۲۸/۵ درصد) و کشاورزی (۲۲/۲۷ درصد).

علیرغم این تغییرات در سهم نسبی بخش‌های مختلف نیروی کار، تعداد افراد شاغل در هر یک از این بخش‌ها افزایش پیدا کرده است. برای نمونه، اگر چه سهم نسبی بخش کشاورزی از جمعیت شاغل در سال ۱۳۸۵ کمتر از نصف همان رقم در سرشماری ۱۳۴۵ بود، تعداد شاغلین بخش کشاورزی در سال ۱۳۸۵ (۷/۴ میلیون نفر) بیش از دو برابر تعداد شاغلین همین بخش در سال ۱۳۴۵ (۳/۳ میلیون نفر) بود. به همین ترتیب اگر چه سهم نسبی بخش صنعت از کل شاغلین در سال ۱۳۴۵ (۲۵/۹ درصد) و ۱۳۸۵ (۲۶/۵ درصد) تقریباً برابر بود، تعداد افراد شاغل در بخش صنایع در ۱۳۸۵ (۸/۸۴ میلیون نفر) بیش از چهار برابر شاغلین همین بخش در ۱۳۴۵ (۱/۸۴ میلیون نفر) است. تعداد شاغلین در بخش خدمات در فاصله ۸۵-۱۳۴۵ تقریباً هشت برابر شده در حالیکه سهم نسبی این بخش از شاغلین در همان مدت فقط دو برابر افزایش یافته است.

مهاجرت

مهاجرت به معنی جابجایی جمعیت در درون مرزهای یک کشور یا منطقه (مهاجرت داخلی) یا به خارج از مرزها (مهاجرت خارجی یا بین‌المللی) از پدیده‌های مهم جمعیت‌شناسی است. بدیهی است این جابجایی‌ها در صورتی مهاجرت تلقی می‌شوند که با اقامت درازمدت در منطقه مقصد همراه باشند. ایران از دیرباز در معرض مهاجرت دسته جمعی اقوام همسایه بوده که غالباً صورت تهاجم و تسخیر نیز داشته است. در طی دو قرن اخیر عامل مهاجرت خارجی در تغییرات جمعیتی

ایران نقش چندانی نداشته اما مهاجرت‌های داخلی با شدتی بی سابقه ادامه یافته و به گسترش شهرنشینی و تمرکز جمعیت در استان‌های خاص منجر شده است. تمرکز بیش از دو سوم جمعیت در شهرها و وجود آمدن کلان‌شهرهایی چون تهران، مشهد، اصفهان، تبریز، شیراز و کرج که طبق سرشماری اخیر بیش از سی درصد جمعیت کشور را در بر می‌گیرند نتیجه مداومت مهاجرت‌های داخلی بخصوص مهاجرت از روستاها به شهرها است. سهم مهاجران از کل جمعیت، جمعیت شهری و روستایی در سرشماری‌های مختلف در جدول ۱۵ ارائه شده است که سهم عمده مناطق شهری را از جمعیت مهاجر به خوبی نشان می‌دهد. در سرشماری‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ نزدیک به دو سوم مهاجرین خاستگاه شهری داشتند و حدود سی درصد از روستا بودند. سهم روستائیان از جمعیت مهاجر فقط در مورد مهاجرین داخل شهرستان محل سرشماری از مهاجرین شهری بیشتر بود. سهم زنان از جمعیت مهاجر از سهم نسبی آنها در کل جمعیت کمتر ولی قابل ملاحظه است. علت این امر آن است که مهاجرت‌های داخلی در ایران غالباً جنبه خانوادگی دارد. اکثر مردان معمولاً در جستجوی کار یا کار بهتر مهاجرت می‌کنند و بقیه اعضای خانواده را به همراه می‌برند. به این دلیل اکثریت زنان مهاجر علت مهاجرت خود را "تبعیت از خانواده" بیان می‌کنند.

جدول ۱۵: وضعیت مهاجرت در سرشماری‌های مختلف

عنوان	کل کشور	مناطق شهری	کل کشور
۱۳۴۵	زن و مرد	۲۶.۴	۱۳.۱
	مرد	۲۷.۸	۱۳.۹
	زن	۲۴.۸	۱۲.۲
۱۳۵۵	زن و مرد	۲۷.۲	۱۵.۵
	مرد	۲۸.۸	۱۶.۷
	زن	۲۵.۴	۱۴.۳
۱۳۶۵	زن و مرد	۳۰.۸	۲۲.۴
	مرد	۳۰.۹	۲۲.۱
	زن	۳۰.۷	۱۳.۴
۱۳۷۵	زن و مرد	۱۶.۲	۱۴
	مرد	۱۷.۷	۱۵.۲
	زن	۱۵.۳	۱۲.۸
۱۳۸۵	زن و مرد	۱۲.۷۷	۱۷.۲۳
	مرد	۱۴.۱۱	۱۹.۵۱
	زن	۱۱.۴۷	۱۵.۰۴
۱۳۹۰	زن و مرد	۷.۴۸	۷.۳۶
	مرد	۷.۸۸	۷.۶۷
	زن	۷.۰۸	۷.۰۵

بررسی مبدا و مقصد مهاجران (جدول ۱۶) نشان می‌دهد که اکثر مهاجرت‌ها در محدوده شهرستان یا استان محل سرشماری اتفاق افتاده و فقط در حدود یک سوم مهاجران از یک استان به استان دیگر رفته‌اند، اندکی بیش از دو درصد کل مهاجرین هم ظاهراً ایرانیانی بودند که از خارج کشور آمده بودند.

جدول ۱۶: خاستگاه مهاجرین

۱۳۹۰		۱۳۸۵		۱۳۷۵		۱۳۶۵		عنوان
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۳۵,۸	۱۹۸,۴	۳۲,۰	۳۸۹,۸	۳۷,۰	۳۱۸,۹	۲۸,۰	۱۶۱,۵	شهرستان محل سرشماری
۲۰,۲	۱۱۲,۰	۲۶,۰	۳۱۱,۲	۲۶,۰	۲۳۰,۷	۲۴,۰	۱۴۰,۵	سایر شهرستانهای استان محل سرشماری
۳۵,۹	۱۹۸,۶	۳۹,۰	۴۷۷,۴	۳۴,۰	۲۹۴,۰	۳۲,۰	۱۸۷,۲	شهرستانهای سایر استانها
۱,۸۵	۱۰,۳	۲,۱	۲۶,۰	۲,۷	۲۳,۸	۱۲,۰	۷۰,۰	خارج از کشور
۶,۱۹	۳۴,۳	۰,۹	۱۰,۴	۰,۵	۴,۵	۳,۹	۲۲,۸	مبدا مهاجرت اظهار نشده
۱۰۰	۵۵۳,۵	۱۰۰	۱,۲۱۴,۸	۱۰۰	۸۷۱,۹	۱۰۰	۵۸۲,۱	جمع

مهاجرت‌های بین‌المللی

در مورد مهاجرت ایرانیان به خارج از کشور که در سی سال گذشته در سطح بالایی قرار داشته، سرشماری‌های داخلی اطلاعی به دست نمی‌دهند. اطلاعات حاصل از بررسی سرشماری‌های کشورهای غربی (مقصد عمده مهاجران ایرانی) هم تاکنون چندان کارساز نبوده است (Hakimzadeh, 2006).

در مورد اتباع خارجی مقیم ایران نیز اطلاعات جمع‌آوری شده در سرشماری‌ها فقط مهاجران قانونی یا دارای اجازه کار را در بر می‌گیرد. تا سال ۱۳۵۵ اکثریت قریب به اتفاق مهاجران را مهاجران داخلی تشکیل می‌دادند و سهم اتباع خارجی از جمعیت مهاجران بسیار کم بود. تعداد افراد متولد خارج از کشور (که اکثریت قریب باتفاق آنها را اتباع خارجی تشکیل می‌دهند) در سرشماری ۱۳۳۵ بسیار کم (۴۴۰۰۰ نفر) و در سرشماری بعدی اندکی بیشتر (۷۶۰۰۰ نفر) بود. در سرشماری ۱۳۵۵ تعداد خارجیان سرشماری شده تقریباً سه برابر شده و به ۱۷۷۰۰۰ نفر رسیده بود. متأسفانه در باره ملیت یا تابعیت این گروه اطلاعی در دست نیست و نمی‌دانیم آیا این گروه شامل مستشاران نظامی خارجی که در آن دوره به علت خریدهای سنگین اسلحه توسط ایران وجود آنها در ایران الزامی بود می‌شود یا نه. از سوی دیگر می‌دانیم که در سال ۱۳۵۷ تعداد افغانها در ایران به اندازه‌ای افزایش یافته بود که در بدو پیروزی انقلاب نگرانی‌هایی را در میان نهادهای انقلابی ایجاد کند.

افزایش شدید تعداد اتباع خارجی در ایران از سرشماری ۱۳۶۵ به بعد کاملاً محسوس است. عده این گروه که در سرشماری ۱۳۶۵ اندکی کمتر از یک میلیون نفر بود در سرشماری ۱۳۸۵ به ۱/۵ میلیون نفر رسیده بود که بیش از هفتاد درصد آنها را اتباع افغانستان تشکیل می‌دادند. اتباع عراق در مرحله بعدی قرار داشتند. تعداد گروه اخیر در سرشماری ۱۳۷۵ بسیار افزایش یافته و به ۱۷۹ هزار نفر رسیده بود. اما در سرشماری ۱۳۸۵ این رقم مجدداً پایین رفته و به ۴۴ هزار تقلیل پیدا کرده است. در مقابل، تعداد گروهی که ملیت یا تابعیت آنها اعلام نشده در سرشماری اخیر شدیداً بالا رفته و به ۲۹۳۰۰۰ نفر رسیده است. سرشماری ۱۳۹۰ تعداد اتباع خارجی مقیم ایران را ۱۶۸۸۱۹۵ نفر نشان داده که اکثریت (۸۶ درصد) آنها را شهروندان افغانی تشکیل می‌دهند. از بقیه، ۳ درصد عراقی و ۸,۳ درصد بدون تابعیت مشخص بودند.

جدول ۱۷: جمعیت اتباع خارجی سرشماری شده در ایران

سال	افغانستان	عراق	باکستان	ممالک دیگر	نا معلوم
۱۳۶۵	۷۵۵۲۵۷	۸۴۱۰۹	۱۳۳۶۰		۶۲۶۳۸
۱۳۷۵	۸۰۴۴۰۴	۱۷۵۰۶۱	۸۸۳۶	۱۲۴۶۶	۹۶۴۹۳
۱۳۸۵	۱۲۱۰۱۶۴	۴۴۰۴۹	۱۵۴۴۷	۳۳۲۸۱	۲۹۳۰۷۹
۱۳۹۰	۱۴۵۲۵۱۳	۵۱۵۰۶	۱۷۷۳۱	۲۵۹۲۹	۱۴۰۵۱۶

علی‌رغم بالا بودن تعداد مهاجرین افغان در سرشماری‌های اخیر، تقریباً مسلم است که این رقم بسیار کمتر از رقم واقعی افغان‌هایی است که به طور غیرمجاز وارد کشور شده و به کار و زندگی مشغول هستند. این گروه که در اواخر دهه قبل تعداد آنها بیش از دو میلیون نفر تخمین زده می‌شد انگیزه‌ای برای شرکت در سرشماری یا تماس با مأمورین ایران ندارند. اگر چه ترکیب جنسیتی اتباع بیگانه سرشماری شده از فزونی مردان بر زنان حکایت می‌کند، ساختار سنی آن بر حضور تعداد زیادی کودک زیر ده سال دلالت دارد. مقایسه توزیع سنی جمعیت افغان‌های سرشماری شده در سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ با جمعیت ایرانی همان سرشماری‌ها از بالاتر بودن نسبت کودکان (زیر ده سال) و بنابراین بالاتر بودن نرخ باروری افغان‌های مقیم ایران حکایت می‌کند. معهداً، مقایسه ساختار سنی افغان‌های سرشماری شده در ۸۵-۱۳۷۵ از کاهش تعداد کودکان و نرخ باروری جمعیت افغان‌های مقیم ایران در طی دهه مزبور سخن می‌گوید. نکته در خور توجه آنکه هر گاه ترکیب سنی جمعیت افغان‌های سرشماری ۱۳۸۵ را با ترکیب سنی جمعیت استان‌های دارای باروری بالای ایران (سیستان و بلوچستان و هرمزگان) مقایسه کنیم تفاوت‌ها بسیار کم رنگ‌تر می‌شود. در حقیقت، به نظر می‌رسد نرخ باروری جمعیت استان سیستان و بلوچستان از نرخ باروری جمعیت اتباع افغانی سرشماری ۱۳۸۵ بالاتر بوده است.

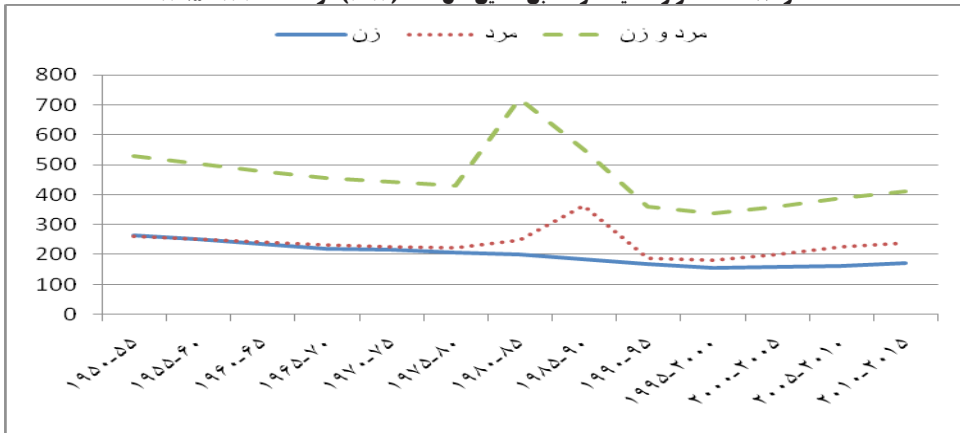
مرگ و میر

مرگ و میر یکی دیگر از عوامل تغییرات جمعیتی است که در طول تاریخ نقش عمده‌ای در پایین نگه داشتن نرخ رشد جمعیت بازی کرده است. از حدود ۱۵۰ سال پیش در کشورهای صنعتی و از نیمه قرن بیستم در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، مرگ و میر کاهش یافته و تاثیر نسبی آن در تغییرات جمعیتی کمتر شده است. آمارهای مربوط به مرگ و میر معمولاً در سرشماری‌های عمومی جمع‌آوری نمی‌شود و برای پی بردن به آنها باید از منابع اطلاعاتی دیگری چون ثبت وقایع حیاتی، اسناد پزشکی و بررسی‌های میدانی استفاده شود. در ایران گزارش و ثبت موارد فوت تا این اواخر با تاخیر و اهمال زیادی همراه بود و داده‌های ثبتی مرگ و میر فاقد اعتبار تلقی می‌شد. جیره‌بندی کالاهای اساسی در دوره جنگ تحمیلی که باعث بهبود ثبت موالید شد، تاثیری منفی بر گزارش موارد فوت داشت. زیرا گزارش موارد فوت معمولاً به ابطال دفترچه کوپن فرد متوفی و ضرر و زیان خانواده منجر می‌شد.

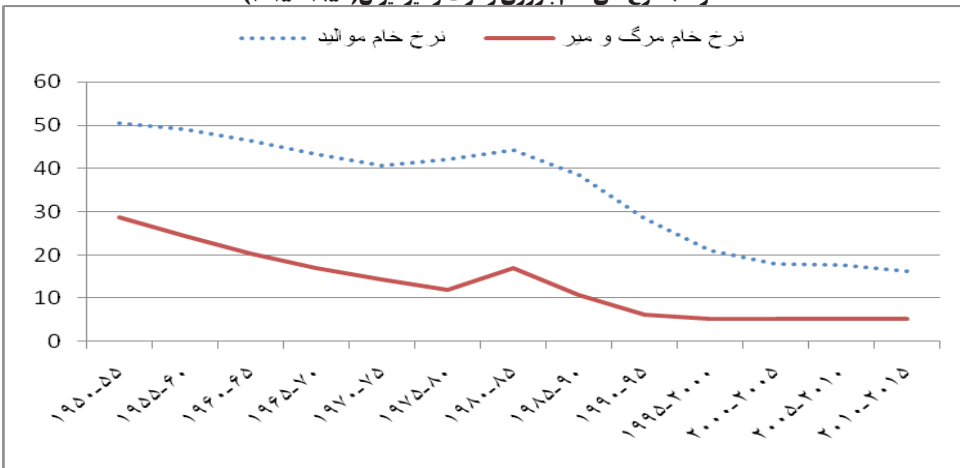
به دلیل در دست نبودن آمارهای ملی قابل قبول در مورد مرگ و میر باید از تخمین‌های بین‌المللی در مورد سنجه‌های مرگ و میر استفاده شود. نشریه "چشم‌انداز جمعیت" که از اواسط قرن بیستم توسط بخش جمعیت کمیسیون اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد منتشر شده و هر چند سال یک بار مورد تجدید نظر قرار گرفته است، اطلاعات مفصلی را درباره سنجه‌های مختلف باروری و مرگ و میر همه مناطق و کشورهای جهان از جمله ایران ارائه می‌دهد. این سنجه‌ها شامل نرخ خام مرگ و میر (یا نسبت موارد فوت هر سال تقسیم بر جمعیت وسط آن سال ضرب در هزار)، نرخ مرگ و میر اطفال (تعداد اطفال کمتر از یک سال فوت شده تقسیم بر تعداد کودکان متولدشده در طول سال) و نرخ مرگ و میر کودکان زیر پنج سال (تعداد کودکان کمتر از پنج سال فوت شده تقسیم بر تعداد کودکان زیر پنج سال) می‌گردد. علاوه بر این بر اساس نرخ‌های مرگ و میر اطفال و جدول‌های عمر امید زندگی جمعیت ایران برای سال‌های مختلف دوره شصت ساله ۹۰-۱۳۳۰ محاسبه شده است. این اطلاعات در نگاره‌ها و جداول زیر خلاصه شده است. به طوریکه از این نگاره‌ها معلوم می‌شود هر سه شاخص اصلی مرگ و میر مذکور در فوق در چند دهه گذشته به طور چشم‌گیری کاهش یافته‌اند. در مقابل شاخص امید زندگی در بدو تولد افزایش پیدا کرده و از ۴۸٫۱ سال در سال ۱۳۳۰ به ۷۲ سال در دهه ۱۳۹۰ رسیده است.

جمعیت ایران و تحولات آن در نیم قرن گذشته

نگاره ۸: تعداد موارد سالانه فوت طبق تخمین ملی متحد (۲۰۱۲) در فاصله ۱۳۳۰-۱۳۹۵



نگاره ۹: نرخ های خام باروری و مرگ و میر ایران (۱۹۵۰-۲۰۱۵)



جدول ۱۸: نرخ های مرگ و میر اطفال طبق تخمین سازمان ملل متحد

سال	پسران و دختران	پسران	دختران
۱۹۵۰-۵۵	۲۶۲,۱	۲۵۶,۱	۲۶۸,۵
۱۹۵۵-۶۰	۲۱۲,۵	۲۰۸,۱	۲۱۷,۱
۱۹۶۰-۶۵	۱۷۲,۶	۱۶۹,۵	۱۷۵,۸
۱۹۶۵-۷۰	۱۴۰,۷	۱۳۸,۷	۱۴۲,۹
۱۹۷۰-۷۵	۱۱۶,۴	۱۱۵,۴	۱۱۷,۵
۱۹۷۵-۸۰	۹۲,۲	۹۲,۱	۹۲,۲
۱۹۸۰-۸۵	۶۹,۸	۷۰,۶	۶۹
۱۹۸۵-۹۰	۵۵,۴	۵۶,۷	۵۴
۱۹۹۰-۹۵	۴۷,۱	۴۸,۸	۴۵,۲
۱۹۹۵-۲۰۰۰	۳۸,۹	۴۰,۹	۳۶,۷
۲۰۰۰-۲۰۰۵	۳۲,۵	۳۴,۹	۳۰
۲۰۰۵-۲۰۱۰	۲۷,۲	۲۹,۸	۲۴,۴
۲۰۱۰-۲۰۱۵	۲۳,۴	۲۶	۲۰,۷

جدول ۱۹: امید زندگی در بدو تولد جمعیت ایران به تفکیک جنس

سال	کل	مرد	زن
۱۹۵۰-۵۵	۳۸,۱	۳۹,۵	۳۶,۷
۱۹۵۵-۶۰	۴۲,۶	۴۳,۵	۴۱,۶
۱۹۶۰-۶۵	۴۶,۴	۴۶,۹	۴۶
۱۹۶۵-۷۰	۴۹,۸	۴۹,۷	۴۹,۹
۱۹۷۰-۷۵	۵۲,۶	۵۲,۵	۵۲,۸
۱۹۷۵-۸۰	۵۶,۳	۵۵,۹	۵۶,۸
۱۹۸۰-۸۵	۴۶,۸	۳۷,۷	۶۰,۹
۱۹۸۵-۹۰	۵۶,۳	۴۹,۵	۶۴,۴
۱۹۹۰-۹۵	۶۶,۳	۶۵,۷	۶۷
۱۹۹۵-۲۰۰۰	۶۸,۸	۶۷,۹	۶۹,۷
۲۰۰۰-۲۰۰۵	۷۰,۵	۶۹,۲	۷۱,۹
۲۰۰۵-۲۰۱۰	۷۲,۱	۷۰,۳	۷۳,۹
۲۰۱۰-۲۰۱۵	۷۳,۳	۷۱,۵	۷۵,۳

علاوه بر تخمین‌های بین‌المللی مذکور در فوق، سال‌های اخیر شاهد جمع‌آوری و انتشار داده‌های جالب و ارزشمندی در باره نرخ مرگ و میر ویژه سنی و علل عمده مرگ و میر توسط کارشناسان وزارت بهداشت و درمان بوده است. سازمان ثبت احوال هم طی دهه اخیر گام‌های مهمی را در جهت اصلاح نظام ثبت وقایع مرگ برداشته و اطلاعات جالبی درباره نرخ‌های مرگ و میر ویژه سنی و عوامل عمده مرگ و میر جمع‌آوری نموده است که تا حد زیادی با اطلاعات جمع‌آوری شده توسط کارشناسان وزارت بهداشت و درمان مطابقت دارد. مجموع این اطلاعات حاکی از آن است که شاخص‌های مرگ و میر جمعیت ایران نیز مثل شاخص‌های باروری آن در طی سه دهه اخیر به طور چشم‌گیری تغییر کرده است. نرخ خام مرگ و میر به سطح کشورهای پیشرفته (البته با تعدیل ساختار سنی) رسیده، نرخ مرگ و میر اطفال و کودکان زیر پنج سال تا حد زیادی کاهش یافته و باعث شده ترس از فوت کودکان به عنوان عاملی برای باروری بالا تاثیر خود را از دست دهد. از سوی دیگر بیماری‌های عفونی دوره کودکی و بزرگسالی تا حد زیادی کنترل شده و سهم آنها از موارد مرگ و میر در مقایسه با بیماری‌های غیرعفونی و سوانح به طور چشم‌گیری کاهش پیدا کند. با کاهش بار بیماری‌های عفونی، مسائل بهداشتی-درمانی ناشی از بیماری‌های غیرعفونی (به خصوص بیماری‌های قلبی-عروقی، سرطان‌ها و دیابت) و آسیب‌های ناشی از تغییرات در شیوه زندگی و رفتارهای پرخطر (مصرف دخانیت، سوء مصرف مواد اعتیادآور، رانندگی و غیره) افزایش پیدا کند.

به این ترتیب، ایران نه تنها از حیث تعادل باروری و مرگ و میر به مرحله پیشرفته‌ای از گذار جمعیت‌شناختی دست یافته بلکه از حیث وضع سلامت و بیماری هم به مرحله پیشرفته‌ای از آنچه تحت عنوان گذار اپیدمیولوژیک یا گذار سلامت توسط جمعیت‌شناسان و پژوهشگران سلامت مورد بحث قرار گرفته، رسیده است. این مرحله گذار مستلزم تجدید نظری اساسی در برنامه‌های بهداشت و درمان و تربیت کادرها و امکانات پیشگیری و درمان مسائل جدید، از جمله مسائل روانی ناشی از فشارهای اجتماعی و اقتصادی، می‌باشد. برای نمونه، علاوه بر مشکل سوء مصرف مواد که جامعه ایران از دیر باز با آن روبرو بوده مشکلات فردی و اجتماعی و اقتصادی ناشی از روان‌نژندی‌های مختلف (به خصوص انواع افسردگی) طبق بررسی‌های اخیر سهم عمده‌ای از بار بیماری‌ها را در ایران تشکیل می‌دهد.

تغییرات چشم‌گیر در شرایط زندگی

تغییرات جمعیتی که در بالا مورد بحث قرار گرفت با تغییرات مشابهی در روابط اجتماعی و شرایط زندگی مردم ایران همراه بوده است. برخی از این تغییرات در سرشماری‌های جمعیتی مورد بررسی قرار می‌گیرند و نتایج سرشماری‌ها اطلاعات خوبی در مورد آنها به

دست می دهند. از جمله این تغییرات می توان به وضع مسکن، دسترسی به برق و آب و گاز لوله کشی شده، وضع مالکیت مسکن و دسترسی به امکانات ارتباطی جدید نام برد.

افزایش دسترسی خانوارها به امکانات جدید زندگی

دوره سی ساله گذشته شاهد افزایش چشم گیری در میزان دسترسی خانوارها به امکانات جدید زندگی از قبیل آب لوله کشی شده، برق، گاز و تلفن بوده است. در آستانه انقلاب اسلامی، طبق سرشماری ۱۳۵۵ کمتر از یک دهم خانوارهای روستائی (۹/۸ درصد) به آب لوله کشی و ۱۳/۹ درصد به برق دسترسی داشتند. نسبت های معادل برای خانواده های شهری ۷۹/۵ و ۹۱/۵ درصد بود که از شکاف عمیق بین شهر و روستا حکایت می کرد. در سرشماری ۱۳۶۵ درصد خانوارهای روستائی دارای آب لوله کشی شده و برق به ۵۰/۵ و ۶۴/۶ افزایش پیدا کرده بود در حالیکه درصد خانوارهای شهری دارای آب لوله کشی و برق ۹۵/۴ و ۹۹/۲ درصد بود. این تغییر با توجه به محدودیت های اقتصادی دهه اول بعد از انقلاب بسیار قابل توجه است.

در دهه دوم بعد از انقلاب میزان بهره مندی خانوارها از آب، برق و گاز به طور چشم گیری بالا رفته و اکثریت خانوارهای شهری و روستائی به آب لوله کشی (۹۵/۶ و ۸۱/۶ درصد) و برق (۹۹/۷ و ۹۸/۲ درصد) دسترسی پیدا کردند. سرشماری ۱۳۸۵ نه تنها افزایش چشم گیری را در همه این موارد نشان می دهد، بلکه از دسترسی بیشتر روستائیان و ساکنان استان های محروم به این امکانات رفاهی حکایت دارد. افزایش نرخ دسترسی به تلفن و گاز لوله کشی شده در این مدت بخصوص، بسیار چشم گیر بوده است. منابع آب و انرژی مورد استفاده خانوارهای ایرانی در سرشماری های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ در نگاره های ۱۰ و ۱۱ خلاصه شده است.

جدول ۲۰: درصد دسترسی خانوارهای شهری به امکانات زندگی جدید

عنوان	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
آب لوله کشی	۹۵,۵	۹۶,۴	۹۵,۶
برق	۹۹,۲	۹۹,۱	۹۹,۷
تلفن ثابت	۲۲,۲	۴۹,۳	۸۷,۷
گاز لوله کشی	۱۰,۱	۴۹,۱	۸۵
حمام	۶۳,۳	۸۱,۲	۹۲,۸۹

با افزایش دسترسی به برق، امکان استفاده از وسایل رفاهی از قبیل جارو برقی، ماشین لباسشویی، چرخ خیاطی، یخچال، فریزر و ... نیز بسیار افزایش پیدا کرده و شکاف بین خانوارهای شهری و روستائی از این لحاظ کاهش پیدا کرده است. حتی وسایلی چون موبایل و کامپیوتر نیز که طی دهه گذشته در سطح جهانی مطرح شده‌اند، راه خود را به درون خانوارهای ایرانی باز کرده‌اند. اما در مورد اخیر هنوز شکاف عمیقی بین خانوارهای شهری وجود دارد.

جدول ۲۱: درصد دسترسی خانوارهای روستایی به امکانات زندگی جدید

عنوان	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
آب لوله کشی شده	۵۰,۰۵	۷۱	۸۱,۶
برق	۶۴,۵۹	۸۸	۹۸,۲
تلفن ثابت		۱۰	۶۴,۸
گاز لوله کشی شده	۰,۷۳	۲,۱	۲۳,۹
حمام	۱۷,۴۸	۳۷	۶۸,۸۷

مساحت واحدهای مسکونی

از نظر فضای موجود در هر واحد مسکونی، اطلاعات مربوط به سرشماری ۱۳۸۵ نشان می‌دهد که واحدهای مسکونی از ۵۰ متر مربع یا کمتر (۱۳/۲ درصد) تا بیش از ۵۰۰ متر مربع (۰/۲ درصد) وسعت دارند (جدول ۲۲). تقریباً یک چهارم (۲۳/۶ درصد) از واحدهای مسکونی بین ۱۵۰-۱۰۱ متر مربع مساحت دارند. واحدهای مسکونی با ۷۵-۵۱ متر مربع مساحت (۱۹/۳ درصد) و واحدهای مسکونی با ۱۰۰-۸۱ متر مربع (۱۹/۶ درصد) مساحت از لحاظ فراوانی در مراتب بعدی قرار دارند. فقط ۵/۵ درصد از واحدهای مسکونی بیش از ۲۰۰ متر مربع مساحت دارند. همچنین تنها ۱۲/۳ درصد از واحدهای مسکونی پیش از سال ۱۳۵۴ و ۱۵/۷ درصد پس از سال ۱۳۸۱ ساخته شده‌اند. بسیاری از واحدهای مسکونی (۲۷/۶ درصد) بین سال‌های ۸۱-۱۳۷۵ ساخته شده‌اند، ۲۶/۲ درصد بین سال‌های ۷۴-۱۳۶۵ و ۱۸/۲ درصد از آنها بین سال‌های ۶۴-۱۳۵۵ ساخته شده‌اند.

جدول ۲۲: مساحت زیر بنای واحدهای مسکونی به تفکیک شهری و روستایی (۱۳۸۵)

روستایی	شهری	کل	مساحت
۱۸,۷	۱۱,۰۷	۱۳,۲	۵۰ متر و کمتر
۱۲,۶	۸,۱۸	۹,۴	۷۶ تا ۸۰ متر
۱۹,۳	۱۹,۶۵	۱۹,۶	۸۱ تا ۱۰۰ متر
۱۹,۲	۲۵,۳۴	۲۳,۶	۱۰۱ تا ۱۵۰ متر
۶,۷۴	۱۰,۵۶	۹,۴۹	۱۵۱ تا ۲۰۰ متر
۲,۶	۴,۸۳	۴,۲۱	۲۰۱ تا ۳۰۰ متر
۰,۷	۱,۱۸	۱,۰۴	۳۰۱ تا ۵۰۰ متر
۰,۲	۰,۲۱	۰,۲۱	۵۰۱ متر و بالاتر

نحوه تصرف واحد مسکونی

اطلاعات مربوط به نحوه مالکیت واحدهای مسکونی در سرشماری ۱۳۸۵ حاکی از آن است که اکثر خانوارها (۶۳/۷۷ درصد) مالک شخصی زمین و ساختمان (عرصه و اعیانی) واحد مسکونی خود می‌باشند. درصد کمی (۴/۵ درصد) از خانوارها تنها مالک ساختمان می‌باشند. نزدیک به یک چهارم (۲۳/۴۸ درصد) از خانوارها نیز در واحدهای مسکونی اجاره‌ای زندگی می‌کنند. ۲/۱۶ درصد از خانوارها در واحدهای سازمانی و ۵/۳۹ درصد دیگر در واحدهای بلاعوض زندگی می‌کنند. از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵ شاهد کاهش نسبت خانوارهایی که مالک واحد مسکونی خود هستند (از ۷۲/۶۸ درصد به ۶۸/۲۷ درصد) و افزایش تعداد خانوارهایی که در واحدهای اجاره‌ای سکونت دارند (از ۱۵/۴۲ درصد به ۲۳/۴۸ درصد) می‌باشیم (جدول ۲۳).

جدول ۲۳: نحوه تصرف واحد مسکونی

نحوه مالکیت	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰
مالک عرصه و اعیانی	۷۰,۲	۷۰,۸	۶۹,۴	۶۳,۵	۵۶,۴
مالک اعیانی	۵,۹	۶,۴	۴,۰	۴,۵	۶,۳
اجاره	۱۵,۰	۱۲,۰	۱۵,۶	۲۲,۹	۲۶,۶
در مقابل خدمت	۰,۰	۲,۱	۲,۶	۲,۱	۱,۶
مجانی	۸,۲	۷,۸	۸,۱	۵,۳	۷,۵
غیره	۰,۷	۰,۹	۰,۴	۱,۷	۱,۶

جمع‌بندی نکات مهم

از بررسی تفصیلی روند تغییرات جمعیت ایران طی پنج دهه گذشته نکات عمده زیر درخور توجه است:

- ۱- کاهش چشم‌گیر باروری (علیرغم افزایش شدید آن در دهه اول بعد از انقلاب) بروز کرده و ظاهراً هنوز هم روند رو به کاهش خود را ادامه می‌دهد. این کاهش تا حدی نتیجه تغییر سیاست جمعیتی کشور و احیاء برنامه تنظیم خانواده است که به عنوان یکی از موفق‌ترین برنامه‌های اجرا شده در سطح منطقه و جهان شناخته شده است. علاوه بر احیاء برنامه تنظیم خانواده اقدامات دیگری که در جهت بالابردن سطح سواد و تحصیلات زنان به عمل آمده نیز در کاهش باروری و نرخ رشد جمعیت ایران بسیار موثر بوده است. نتایج این تاثیر را می‌توان در افزایش سن ازدواج زنان مشاهده کرد. این افزایش ظاهراً علیرغم ادامه تاکید دولت ایران و رهبران روحانی بر ازدواج زودرس و تشویق و تسهیل تشکیل خانواده اتفاق افتاده است.
- ۲- افزایش شهرنشینی: در اوایل نیمه دوم قرن بیستم کمتر از یک سوم جمعیت ایران در نقاط شهری زندگی می‌کردند. در دهه اول بعد از انقلاب نسبت شهرنشینان از پنجاه درصد جمعیت فراتر رفت (۵۴/۲ درصد) و در سرشماری ۱۳۷۵ به ۶۱/۳ رسید. طبق سرشماری اخیر (۱۳۹۰) بیش از هفتاد درصد جمعیت کشور در نقاطی به سر می‌برند که طبق تعریف مرکز آمار شهر محسوب می‌شوند.
- ۳- نه تنها درصد جمعیت شهرنشین در طی دوره بعد از انقلاب به طور چشم‌گیری افزایش پیدا کرده بلکه تعداد نقاط شهری هم به همان میزان بالا رفته است. معه‌ذا اکثریت جمعیت شهری کشور در ۸۰ شهر نسبتاً بزرگ (دارای صد هزار نفر و بیشتر) ساکن هستند و تعداد کثیر شهرهای کوچک که در دو دهه اخیر به وجود آمده‌اند کمتر از ده درصد جمعیت شهری کشور را در بر می‌گیرند.
- ۴- بر اثر کاهش نرخ باروری، ساختار سنی جمعیت کشور طی بیست سال اخیر شدیداً تغییر کرده و سهم جمعیت بالقوه فعال ۶۴-۱۵ ساله از کل جمعیت افزایش یافته است. نتیجه این تغییر، کاهش نسبت تکفل کودکان و سالمندان و افزایش امکان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری توسط قشر میانسال بالقوه فعال می‌باشد. پنجره فرصت جمعیت‌شناختی که به این ترتیب ایجاد شده ایران را در موقعیت بسیار خوبی از لحاظ اقتصادی و اجتماعی قرار داده است.
- ۵- همزمان با افزایش جمعیت، تعداد خانوارها نیز افزایش پیدا کرده و به ۱۷ میلیون رسیده در حالی که بعد متوسط اعضای خانوار کاهش پیدا کرده است. در واقع شواهد بارزی از

- حرکت جامعه ایران در جهت خانوار هسته‌ای کوچک وجود دارد که می‌تواند پیامدهای مثبت و منفی خود را داشته باشد.
- ۶- از لحاظ کیفی بر اثر گسترش امکانات آموزش عمومی، جمعیت ایران از سطح سواد و تحصیلات بالایی برخوردار شده است. در حال حاضر، نرخ بی‌سوادی در سنین پائین‌تر از سی سالگی به کمتر از ده درصد رسیده و تفاوت‌های ناشی از جنسیت و محل اقامت (شهری در مقابل روستائی) تا حد قابل توجهی کاهش یافته است. با افزایش سطح سواد، کیفیت سرمایه انسانی و نیروی کار هم بسیار بالا رفته و کشور را در مرحله خوبی برای جهش اقتصادی قرار داده است.
- ۷- علیرغم استقبال چشم‌گیر زنان از امکانات آموزشی در سطوح مختلف و بالا رفتن چشم‌گیر سرمایه انسانی زنان، مشارکت آنان در نیروی کار در سطح بسیار پائین (۱۳ درصد) باقی مانده است. علاوه بر این، به علت نارسائی بازار کار و عدم تطابق آموزش متوسطه و عالی با نیازهای بازار درصد بالایی از مردان و زنان دارای تحصیلات متوسطه و عالی، بیکار مانده‌اند.
- ۸- توزیع فضائی جمعیت ایران طی سی ساله گذشته تغییر چندانی نکرده و استان‌های مختلف موقعیت نسبی خود را از لحاظ جمعیت حفظ کرده‌اند.
- ۹- اگر چه نرخ رشد جمعیت روستائی در دو دهه اخیر بسیار کاهش یافته و در سرشماری ۱۳۸۵ منفی شده است، رقم مطلق جمعیت روستائی کشور در حال حاضر (حدود ۲۲ میلیون نفر) از تعداد همان جمعیت در سال ۱۳۵۵ (۱۷/۸ میلیون نفر) بیشتر است. تعداد روستاها نیز طی سی سال گذشته در همان حدود ۶۵ هزار روستا باقی مانده است.
- ۱۰- از لحاظ کیفیت واحدهای مسکونی و دسترسی به امکانات رفاهی و کالاهای مصرفی جدید، دهه‌های گذشته شاهد پیشرفت‌های زیادی بوده که بخصوص در مناطق شهری چشم‌گیر است. تعداد واحدهای مسکونی افزایش یافته، تراکم خانوارها در واحد مسکونی کاهش پیدا کرده، کیفیت ساختمان‌ها ارتقاء یافته و دسترسی خانوارها به مواهبی چون آب لوله‌کشی شده، برق، تلفن و ... بسیار گسترش پیدا کرده است.

منابع و مأخذ

۱. آشفته تهرانی، امیر(۱۳۶۴)، جامعه شناسی و آینده نگری جمعیت ایران، اصفهان، جهاد دانشگاهی اصفهان.
۲. امانی، مهدی(۳۸۰۱)، جمعیت شناسی عمومی ایران، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها(سمت).
۳. زنجانی، حبیب الله(۱۳۷۱)، جمعیت و شهرنشینی در ایران، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری.
۴. سازمان ثبت احوال کشور، ۱۳۸۶. سالنامه اماري ثبت احوال کشور سال ۱۳۸۵. تهران: سازمان ثبت احوال کشور.
۵. مک ایودی و ریچارد جونز(۱۹۸۰)، اطلس تاریخی جمعیت جهان، ترجمه فریدون فاطمی، تهران، نشر مرکز.
۶. مرکز آمار ایران(۱۳۸۷)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵، تهران.
۷. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی(۱۳۷۹)، سیمای جمعیت و سلامت در جمهوری اسلامی ایران، تهران.
۸. Abbasi-Shavazi, M. J.(۲۰۰۵), "The Rise and Fall of Fertility in Post-Revolutionary Iran". In Jones & Karim, eds., ۲۰۰۵. Islam, the State and Population. London: C. Hurst & Company.
۹. Bloom, D., D. Canning & J. Sevilla(۲۰۰۳), The Demographic Dividend: A New Perspective on the Economic Consequences of Population Change. Santa Monica, CA: Rand.
۱۰. Hakimzadeh, S.(۲۰۰۶), Iran: A vast Diaspora Abroad and Millions of Refugees at Home. Bulletin of the Migration Policy Institute.
۱۱. Mehryar, Amir H.(۲۰۰۲), Demographic and Health Survey of Iran. Tehran: Center for Population Studies and Research in Asia and the Pacific. (Working Paper No. ۲)
۱۲. Mehryar, Amir H. & S. Ahmad-Nia(۲۰۰۶), "Age-Structural Transition in Iran: Short and Long-term Consequences of Drastic Fertility Swings During the Final Decades of the Twentieth Century". In Pool, I, L.R. Wong & E. Vilquin, Eds. Mehryar, Amir H. &, ۲۰۰۶.
۱۳. Mehryar, Amir H. & S. Ahmad-Nia(۲۰۰۸), "Below Replacement Fertility in Iran". Paper presented at the International Seminar on Fertility and Public Policies in Low Fertility Countries Organized by the International Union for the Scientific Study of Population, Barcelona, Spain.
۱۴. Mehryar, Amir H., F. Roudi, A. Aghajanian & F. Tajdini(۲۰۰۱), Repression and Revival of the Family Planning Program and its Impact on Fertility Levels in the Islamic Republic of Iran. Cairo, Egypt: Economic Research Forum.